

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور

نویسندگان: دکتر سید مهدی حسینی (ایران)^۱، علی غلامی (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۸

دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۹

چکیده

عصر حاضر با بسیاری از رسانه‌های جمعی و فضاهای مجازی با تنوع و قابلیت‌های گوناگون مواجه است. ارتباط گرفتن در دهکده جهانی اکنون و تبادل نظر و در کنار آن ارائه فرهنگ‌ها و تبلیغات غلط و غرض‌ورزانه درباره جناح، گروه، اشخاص و به‌طور خاص دین، بسیار رایج و قابل دسترس است؛ آن‌چه که همیشه مورد هجمه و آسیب بوده است، فرهنگ و متن اصلی دین و باورهای الهی است که در فضای مجازی نیز دستخوش آسیب و تبلیغات ضد دین شده است. عرفان‌های نوظهور، پدیده داعشیسم و بسیاری از شبکه‌ها و گروه‌های شبه‌دینی با تغییر ظاهر و پوسته دین آن را به‌صورتی دیگر به جهانیان-مخصوصاً- جوانان نشان داده‌اند و در این میان، هجمه و آسیبی که به دین اسلام وارد می‌کنند، قابل توجه است؛ در چنین وضعیتی فضای مجازی باید بتواند با راه‌اندازی شبکه‌ها، گروه‌ها و لینک‌های صحیح ترویج فرهنگ اسلام و ارائه صحیح از تفاسیر و منابع قرآنی، چهره واقعی دین مبین را نشان داده و همزمان با تبلیغات ضد دینی مبارزه کند. پژوهش حاضر تلاش نمود ابتدا با بیان آسیب‌های وارد شده به فرهنگ و باور مذهبی از طریق شبکه‌های اجتماعی و خطرات آن برای نسل جوان، روش برخورد با چنین فضاهایی را تبیین نموده و سپس با ارائه راهکارهای مناسب، تبلیغ صحیح دین در این فضاها را ارائه و روش صحیح استفاده از این فضا در راستای فرهنگ دینی را به جوانان آموزش دهد.

واژگان کلیدی: آموزش‌های جنسیتی، آموزش‌های خانواده‌محور، فضای مجازی

۱. استادیار گروه فقه و معارف اسلامی، جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمية، قم، ایران،

Hs.mahdi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری گروه مطالعات جنسیت، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران،

Ali.qolami27@gmail.com

مقدمه

دوران مدرن، عصر جهانی شدن بوده و پررنگ‌ترین وجه جهانی شدن، جهانی شدن فرهنگ است.^۱

از مهم‌ترین ابزارها یا عوامل مهم در پدیده جهانی شدن، گسترش ارتباطات و افزایش سرعت انتقال اطلاعات از طریق رسانه‌ها است؛ اهمیت این رسانه‌های ارتباط جمعی و گروهی تا اندازه‌ای است که اندیشه‌ورانی هم‌چون تافلر^۲ - پژوهشگر آمریکایی - در تقسیم‌بندی مراحل تاریخی تمدن بشر، آن را به سه مرحله زیر تقسیم نموده‌اند:

۱. عصر کشاورزی؛

۲. عصر صنعتی؛

۳. عصر ارتباطات و اطلاعات (فرصنتی).^۳

بر این اساس، با توسعه و گسترش تبادل اطلاعات در تمام زمینه‌ها، جهانی شدن^۴ فزاینده رسانه‌های ارتباط جمعی ایجاد گردیده، و رسانه‌ها در جهت جهانی شدن فرهنگ یا همانندسازی گام بر می‌دارند تا آن‌جا که وسایل ارتباط جمعی نو هم‌چون فضای مجازی^۵ - در تمامی کشورها - نقش حساس و مهمی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی ایفا می‌نماید؛ پدیده‌ای که هر روز در حال پیشرفت بوده و ظهور فناوری‌های جدید در این زمینه، ارتباط نزدیک و انتقال سریع اطلاعات و همزمان بخش‌های مختلف و وسیعی از جهان معاصر را میسر ساخته است.

۱. گیدنز، ۱۳۷۷، ص. ۷۷.

2. Alvin Toffler

۳. آلون تافلر و هایدی تافلر، ۱۳۷۷.

4. Globalization

5. Cyberspace

در دهه‌های اخیر، اینترنت و فضای مجازی و شبکه‌سازی آن‌ها، به‌صورت یکی از نمادهای فرهنگ جهانی در آمده است که شاید بیش از تمام فناوری‌های دیگر در تمام جهان و از جمله ایران توانسته است در لایه‌های گوناگون خرد و کلان زندگی اجتماعی، تأثیرات عمیق و پایداری بگذارد.

نکته مهم این‌که جامعه ایران افزون بر آن‌که به‌تبع جامعه جهانی مسیر تحولات را می‌پیماید، ضرباهنگ تحولات در آن- در برخی زمینه‌ها- تندتر و رساتر شنیده می‌شود، که نگاهی گذرا به وضعیت امروز و مقایسه آن با چند دهه گذشته، نشان می‌دهد تغییرات بسیاری در حوزه‌های گوناگون جامعه ایرانی رخ داده است.

به‌عنوان نمونه؛ یکی از عرصه‌های پرتحول اجتماعی در جامعه- پس از انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ شمسی- عرصه خانواده و زنان و یا به‌تعبیری قلمروهای جنسیتی در معنای عام است؛ در این میان، برخی مابین این تحولات با افزایش تجربه حضور زنان در عرصه آموزشی و نیز بهره‌مندی بیشتر آنان از رسانه و فضای مجازی، ارتباط معناداری می‌بینند.

تبیین مسئله

در کشور ما، مسائل زنان و خانواده از پراهمیت‌ترین دغدغه‌های فرهنگی-اجتماعی است که البته جریان‌های فکری و فرهنگی مختلف، نگاه‌های متفاوت و در مواردی متضاد در قبال این موضوع دارند؛ به‌طوری که عده‌ای از کنشگران یا چهره‌های آکادمیک با رویکرد فمینیستی، رفع کلیشه‌های جنسیتی را از مهم‌ترین موضوعات قابل طرح می‌دانند، و گروهی دیگر از فعالان و پژوهشگران بر نگاه دینی تأکید دارند و مسائل زنان را با نگاهی خانواده‌محور مدنظر قرار می‌دهند؛ اما موضوع جنسیت و رسانه محل تلاقی این دو نگاه است.

مهم‌ترین نقد فمینیست‌ها به حوزه جنسیت و رسانه، تأکید رسانه بر کلیشه‌های جنسیتی، نگاه منفعل به زن و تصویرگری زن در نقش‌های محدود کننده خانگی است. در نقطه مقابل، رویکرد دینی بر مواردی چون نادیده گرفتن مرزهای جنسیتی، کم‌توجهی به ویژگی‌های برجسته زنانه و مردانه در رابطه اجتماعی و خانوادگی - به‌ویژه در روابط زناشویی - ارائه تصویر غلط از خانواده و نمایش تصویری ناموزون از مشارکت اجتماعی زنان تأکید می‌کند.^۱

از سوی دیگر، مناسبات زن و رسانه را می‌توان از مناظر مختلفی نگریست؛ از جمله:

- زن به مثابه فعال و کنشگر در رسانه؛
- زن به مثابه موضوع در رسانه (تصویر زن و خانواده در رسانه و پیام‌های آن)؛
- زن به مثابه مخاطب رسانه (تأثیر برنامه‌های تلویزیون بر زنان، هویت و نقش‌های جنسیتی و نهاد خانواده)؛
- زن به مثابه عنصری تأثیرگذار بر رسانه (تأثیر ذائقه زنان به‌عنوان نیمی از مخاطبان رسانه در تولید برنامه‌های رسانه).

مطلب دیگر این‌که باید توجه داشت که افزایش جمعیت خواهان دسترسی به اطلاعات و کسب مدارج عالی علمی، محدودیت‌های مادی و انسانی موجود بر سر راه تأمین این نیازها و تحول پرشتاب اجتماع، مانع از آن می‌شوند که هم‌چنان روش‌های سنتی آموزش بتواند برای پاسخگویی به نیازهای فزاینده معاصر مورد توجه قرار گیرند. امروزه، فناوری اطلاعات - به تدریج - بخشی از برنامه‌های درسی مؤسسات آموزشی شده و این اقدام به‌منظور گسترش کیفیت آموزش با هزینه‌های کمتر و از راه دور و نیز عرضه کیفیت برتر آموزشی با استفاده از اینترنت صورت می‌گیرد.

۱. مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۸، شماره ۳۲.

در همین راستا می‌توان به پیدایش پدیده‌های نویی هم‌چون دانشگاه‌های مجازی، مدارس علمیه مجازی و استفاده از روش‌های الکترونیکی و استقبال قابل ملاحظه از آن‌ها اشاره نمود؛ از این رو، بررسی‌های دقیق‌تر رابطه میان فضای مجازی - به‌عنوان یک پدیده نو و فراگیر اجتماعی - با افزایش تصاعدی ضریب نفوذ اینترنت در ایران و در کنار آن افزایش تعداد سایت‌ها و وبلاگ‌های زنان و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی بر روی این شبکه جهانی و توجه ویژه کاربران زن ایرانی به آن از یک سو، و فرصت‌ها و تهدیدهای این مؤلفه‌ها برای آموزش و آگاهی‌بخشی جنسیتی و خانواده‌محور از سوی دیگر، ضروری است.

به‌طور کلی، اگر نقش نهاد آموزش، آماده کردن یادگیرندگان برای دریافت دانش از میان بافت فرهنگی و حوزه‌های دانشی است؛ یکی از این حوزه‌ها اندیشه دینی است، و از سیستم آموزشی انتظار می‌رود بتواند تسهیلاتی در این راستا فراهم کند. به‌نظر می‌رسد ویژگی‌های جنسیتی زنان، نوع نقش‌های خانوادگی و اجتماعی که بر عهده دارند و ملاحظات دینی در خصوص مناسبات اجتماعی زنان، فضای مجازی را به‌یک‌ی از عرصه‌های مهم آموزشی برای زنان مبدل می‌کند.

نقش محوری اینترنت و فضای مجازی به‌عنوان ابزار اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی چنان مهم است که بدون در نظر گرفتن آن، امکان برنامه‌ریزی، توسعه و بهره‌وری در زمینه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، آموزشی و ارتباطات در جهان آینده امکان پذیر نخواهد بود؛ از همین رو بررسی تأثیرگذاری شبکه جهانی - از جمله سایت‌ها، وبگاه‌ها، وبلاگ‌ها، اتاق‌های گپ، تالارهای گفتگو، شبکه‌های اجتماعی موبایلی و پست الکترونیک - بر ارکان مهم اجتماع و نهادهای آن هم‌چون خانواده، امری است که باید هرچه بیشتر مدنظر قرار گیرد.

بر این اساس، از پژوهشگران، سیاستگذاران، مدیران و فرهنگ‌دوستان انتظار می‌رود به بررسی و تبیین کارکردهای مثبت و منفی فناوری اینترنت در جامعه و در سطح خانواده و بر هویت و نقش‌های جنسیتی پرداخته، و از کارکردهای مثبت آن در جهت بهبود و ارتقای سطح اجتماعی، دینی و فرهنگی زنان و خانواده بهره‌برند؛ از سوی دیگر، آسیب‌ها و تهدیدهای آن را شناسایی نموده و با برنامه‌ریزی درست آن را کنترل و مدیریت کنند.

ضرورت و اهمیت مسئله

همان‌گونه که اشاره شد، در قرن ۲۱ و هزاره سوم میلادی ارتباطات، فناوری و اینترنت جزو لاینفک زندگی انسان معاصر شده است، که افزایش کاربران اینترنت، توسعه ارتباطات، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، تنوع کاربردهای اینترنت، ایجاد شهرهای الکترونیکی و اینترنتی و طرح دولت الکترونیک از جمله شواهد موجود در تأثیرگذاری سریع این پدیده ارتباطی در جهان است.

در جوامع پیشرفته، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌عنوان ابزاری برای تبدیل مزیت نسبی به رقابتی و صنعتی زیربنایی و راهبردی و از ارکان و اهداف اصلی حفظ یا نیل به توسعه پایدار محسوب می‌شوند.^۱

بر این اساس، بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی محصولات فناوری نوین اطلاعات و رویکردهای مختلف اینترنت از لحاظ بازتولید هویت‌های متفاوت و تأثیر آن بر نهادهای دیگر اجتماع، اهمیت بسیاری دارد؛ لذا تغییر در ساختار و تعریف ارزش‌ها و قوانین شکل‌گرفته در جوامع و ارتباطات انسانی، شکل‌گیری فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها و الگوهای فرهنگی و شکل‌گیری سبک زندگی‌های جدید از جمله تغییرات مشهودی است که این فناوری‌های جدید در دنیای مدرن و در سطح اجتماعی، خانوادگی و فردی ایجاد نموده‌اند.

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۳۳

در ایران نیز- پس از انقلاب اسلامی- به واسطه جایگاه مسئله زنان و خانواده، تحولات در زندگی زنان و الگوهای خانواده یکی از بارزترین مصادیق تغییر و تحول در جامعه قلمداد می‌شود.

به عبارت دیگر، وضعیت زنان و خانواده با گفتمان اسلامی حاکمیت، پیوند دارد و در موارد فراوانی تحقق آرمان‌های آن- به غلط یا درست- با مسئله زنان سنجیده می‌شود؛^۱ هم‌چنین تأثیرات غیر قابل انکار فضای مجازی بر حوزه جنسیت و خانواده سبب می‌شود بررسی مناسبات این دو به یکی از دغدغه‌های اساسی حاکمیت و متولیان فرهنگی بدل شود.

ضرورت این پژوهش در آن است که با توجه به ماهیت فرهنگی، آموزشی، سرگرمی و اجتماعی فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، اینترنت و فضای مجازی می‌تواند اثرات پرشماری بر زندگی فردی زنان و بر کیان خانواده داشته باشد؛ البته نحوه، میزان و چگونگی کاربری فضای مجازی از سوی زنان نیز می‌تواند از مؤلفه‌های مؤثر بر زندگی زنانه و الگوهای حاکم بر خانواده ایرانی باشد.

زنان ایرانی- بر اساس آمارهای موجود- استقبال بیشتری از فرصت‌های ارتباطی موجود در این فضا می‌کنند که این امر می‌تواند به رشد و توسعه آنان کمک کند؛ اما با این حال نباید از چالش‌های موجود در فضای مجازی برای زنان غافل بود؛ لذا نمی‌توان از هویت ارتباطی زنان سخن گفت و در عین حال نقش آن‌ها در اشتیاق به کاربری فضای ارتباطی از جمله فضای مجازی را نادیده گرفت؛ چرا که همه اقشار از فضای حس‌گرا، تخیل‌محور و آرزو‌محور رسانه متأثر می‌شوند؛ اما زن‌ها به سبب خلیقات و ویژگی‌های تکوینی، بیشتر تحت تأثیر این فضا قرار می‌گیرند.

۱. مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۸، شماره ۳۲.

بنابراین، میزان تأثیرپذیری زنان از آسیب‌های فضای سایبری - هم‌چون تعارض ارزش‌ها، بازداری‌زدایی، اعتیاد به اینترنت، بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت، شکاف نسل‌ها، انحرافات اخلاقی و جنسی، افسردگی و انزوای فردی و اجتماعی، به‌خطر افتادن حریم خصوصی افراد، ازهم‌پاشیدگی بنیان خانواده، کاهش نقش خانواده به‌عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند و از بین رفتن حریم روابط اخلاقی بین فرزندان و والدین - به‌فراوانی مشاهده می‌شود.

به‌نظر می‌رسد آموزش‌های خودآگاه و رسمی و نیز یاددهی‌های ناخودآگاه و غیر مستقیم فضای مجازی فرصت و تهدیدی هم‌زمان است که می‌تواند با طراحی پیشینی و دوراندیشی، از آن برای ارتقای آموزش‌های جنسیتی و خانواده‌محور بهره‌برد و از پیامدهای منفی آن کاست.

پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌هایی که به آسیب‌شناسی فضای مجازی پرداخته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کشتی‌آرای و اکبریان (۱۳۹۰) با معرفی عصر جدید به‌عنوان عصر پرشتاب ارتباطات، ورود بسیار ساده و سریع، حداقل محدودیت برای دسترسی، برقراری ارتباط با سراسر دنیا به‌اشکال مختلف و عدم وجود محدودیت زمانی و مکانی، دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف و شرکت در فعالیت‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی، هنری و مذهبی را از ویژگی‌های بی‌بدیل آن برشمرده‌اند.
- یاسمی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که فضای مجازی می‌تواند امنیت اجتماعی را مورد تهدید قرار دهد؛ زیرا اینترنت با وجود این‌که می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند در عرصه اطلاع‌رسانی به‌کار گرفته شود تا آن‌جا که گاهی از آن به‌عنوان انفجار اطلاعات نیز نام‌برده می‌شود؛ ولی این فناوری مدرن با تمام فوایدی که دارد، تهدیدها و خطرهایی نیز برای جامعه و بشر داشته است.

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۳۵

- ابری (۱۳۸۷) نقش مثبت فضای مجازی را در عرصه ظهور خلاقیت مورد تأکید قرار داده است؛ زیرا فناوری دیجیتال و جامعه شبکه‌ای، افراد را به‌سوی زندگی‌ای سوق داده است که در آن می‌توانند با اتخاذ نقشی فعال و خلاق- به‌صورت فردی یا جمعی- در ساختن چیزی جدید سهیم باشند، در فرایند هم‌آفرینی شرکت کنند و به‌خودیابی خویشتن کمک کنند. کیفیت آزادی‌بخشی اینترنت، کاربران اینترنتی را دعوت می‌کند تا به تفکر، تجربه، بازی، فعالیت‌های گروهی و ارتباط بپردازند.
 - عاملی و حسنی (۱۳۹۱) در «دو فضایی شدن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضای مجازی»، تحت پارادایم دو فضایی شدن به مفهوم‌سازی عمده‌ترین آسیب‌های فضای مجازی پرداخته و با مطالعه تطبیقی سیاستگذاری‌ها در برخی کشورهای پیشرو، راهبردهای اتخاذ شده را دسته‌بندی نموده‌اند.
 - فیسک^۱ (۱۹۸۷) تلاش کرد با بررسی چند برنامه پرتلفدار تلویزیونی، ویژگی «تلویزیون جنسیت‌گرا» را پیدا کند.^۲
 - پژوهش‌های پیرسی^۳ (۲۰۰۰) و یانگ^۴ (۱۹۹۹) نیز روشن می‌سازد مشکلات خانوادگی در خانواده‌هایی که فرزندان آن‌ها وابسته به اینترنت هستند، فزونی دارد.^۵
- از سوی دیگر، در همایش‌هایی هم‌چون «همایش ملی زنان، خانواده و شبکه‌های اجتماعی مجازی» نیز به‌بررسی تأثیر و تأثر زنان از فضای مجازی پرداخته شده است؛ هر یک از مقالات این همایش از جمله مقالات زیر نیز به ابعادی از این بحث پرداخته‌اند:

1. Fisk

۲. به‌نقل از: مک‌کوایل، ۱۳۸۴.

3. Piercey

4. Young

۵. به‌نقل از: گنجی، ۱۳۸۵، صص. ۱۵۲-۱۴۶.

- «تحولات فرهنگی و شکل‌گیری هنجارهای ارتباطی مدرن در فضای مجازی»، شهیدی و کلانتری (۱۳۹۵)؛
- «تأملی بر رابطه فضای مجازی و هویت جنسیتی»، نیکخواه قمصری و منصوریان راوندی (۱۳۹۵)؛
- «تبیین جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی خانواده و فضای مجازی»، انصاری و دیگران (۱۳۹۵).

در عین حال، این دسته از آثار بر پایه استقرا صورت گرفته است؛ لذا به نظر می‌رسد در میان پژوهش‌ها، کمتر می‌توان اثری را یافت که رابطه جنسیت و خانواده با فضای مجازی را از منظر فرصت‌ها و تهدیدهای آن در مسیر آموزش جنسیت‌محور و خانواده‌مدار و با رویکرد دینی بررسی کرده باشد.

چارچوب مفهومی پژوهش

نظریه‌پردازان، فضای مجازی^۱ را به فضای قابل هدایت معنا کرده‌اند؛^۲ از نگاه دیوید بل^۳ فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت افزار نیست بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب داد و ستد میان افراد رد و بدل می‌کند.

گیدنز^۴ - جامعه‌شناس بریتانیایی - معتقد است تغییرات ساختاری در قدرت به‌واسطه سطوح چندگانه جهانی شدن باعث تغییر و دگرگونی حس ما از زمان و مکان شده است. به‌طور کلی - در جوامع پیشامدرن - زمان و مکان یکنواخت و هم‌بسته بودند؛ به این معنی که مردم به‌تعمیل در مجاورت یکدیگر و برقراری ارتباطات شفاهی با هم

1. Virtual Space

2. Kizza, 1998, p. 131.

3. David Belle

4. Anthony Giddens

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۳۷

تمایل داشتند؛ اما یکی از پیامدهای مهم مدرنیته^۱ و فضای رسانه‌ای این است که ظرفیت انسان برای زندگی و کار در گستره زمان و مکان گسترش یافته است؛^۲ لذا می‌توان به فضای مجازی به مثابه ابزاری برای امتداد زمان و مکان جهت آگاهی‌بخشی و ارتقای بینشی نگریست.

از طرف دیگر، دو دیدگاه عمده در مفید یا مضر بودن کاربست فضای مجازی برای تنظیم زیست روزمره و ارتقای آگاهی‌ها وجود دارد:^۳

۱. هایدگر^۴ - فیلسوف آلمانی - نگران پایان یافتن تفکر در فرآیند پردازش اطلاعات - به‌طور عام - بود؛ چرا که تغییر ماهیت بشر به موازات استفاده روز افزون از تکنولوژی در همه وجوه زندگی، با گسترش تکنولوژی خود را به‌صورت هر چه شدیدتر نمایان می‌کرد.^۵

بر این اساس، فضای مجازی می‌توانست تعاملات جهانی را تقویت کند و گسترش دهد، افراد را در خانه نگه دارد، نگاه آنان را به صفحات رایانه خیره سازد و تعاملات و برقراری ارتباط با همسایگان را به فراموشی سپارد؛ این گروه از متفکران منتقد - از سر شناخت، ناآگاهی یا صرفاً خشم - با نوعی مقاومت غیر فعال و پنهانی - اما مؤثر - با اشاعه فناوری‌های جدید اطلاعاتی مخالفت می‌ورزند.^۶

1. Modernity

2. Laughey, 2007, p. 97.

۳. ر. ک: انصاری و دیگران، ۱۳۹۵، صص. ۱۳۵-۱۲۱.

4. Martin Heidegger

۵. کازنو، ۱۳۸۴، ص. ۵۲.

۶. برتون، ۱۳۸۲، ص. ۲۱.

۲. اینترنت و فضای مجازی مکمل و در امتداد فضای حقیقی هستند؛ از این نظر، مردم فضای مجازی را برای حفظ تعاملات اجتماعی موجود خود به کار گرفته و با اضافه کردن تماس‌های الکترونیکی و مجازی به تماس‌های حضوری یا تلفنی، همان سرگرمی‌ها و علائق دنیای واقعی خود را به صورت برخط نیز ادامه می‌دهند.

در این راستا، برخی جامعه‌شناسان معتقدند تحت تأثیر فناوری اینترنت، دسته‌ای از فضاها یا مصنوعی به وجود آمده‌اند که خالی هستند و لازم است کاربران آن‌ها در مکان‌های خالی عضو شده، ابتدا فضای تعاملی را بسازند و بعد از آن بهره گیرند.

مطابق با این دیدگاه، در دنیای مجازی همان چیزهایی که در دنیای واقعی وجود دارند، موجود است و همبستگی قابل توجهی میان وضعیت افراد در دنیای واقعی و دنیای مجازی آن‌ها به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر، فضای مجازی ابزاری برای انتقال ارزش‌ها و آرمان‌ها است؛^۱ این فضا سهم بسزایی در تغییر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی دارد و می‌تواند معرفی کننده الگوها، نقش‌ها، دیدگاه‌ها و شیوه روی آوردن به سبک‌های زندگی و فراگیری نقش‌های آینده باشد.^۲

این فضا- برای افرادی در دور افتاده‌ترین نقاط- نقش یک آموزشگاه مؤثر را ایفا می‌کند؛^۳ هم‌چنین تحقیقات نشان می‌دهد جنسیت دریافت‌کنندگان، رابطه مستقیمی با چگونگی دریافت آن‌ها از رسانه‌ها دارد.^۴

۱. گیدنز، ۱۳۷۷، ص. ۵۶.

۲. ساروخانی و بابایی فرد، ۱۳۹۱، ص. ۳۳۷.

۳. عطایی کچویی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۳.

۴. مک‌کوایل، ۱۳۸۴.

از آموزه‌های دینی نیز با تأکیدی که بر طبیعی و تکوینی بودن تمایزات بنیادین میان زن و مرد دارند، بر تفاوت‌های میان زن و مرد در مواجهه با فضاها و پیام‌های ارتباطی می‌توان تأییداتی گرفت.^۱

از یافته‌های تجربی نیز چنین برداشت می‌شود که یکی از شواهد تکوینی بودن این تفاوت‌ها، تلاش‌های بسیاری است که برای آموزش‌های غیر حساس به موضوع جنسیت و اقدام برای محو تفاوت‌ها انجام پذیرفته؛ ولی تاکنون ثمر نداده است.^۲

روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی و تبیینی-تحلیلی استفاده شده است؛ لذا می‌توان آن را در زمره پژوهش‌های کاربردی قلمداد کرد.

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از آرا و نظریه‌های دانشمندان و از راه فیش‌برداری، یادداشت‌برداری و جستجو در پایگاه‌ها و منابع اطلاعات علمی اینترنتی گردآوری شده است.

ابزاری نیز که برای گردآوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته، روش سندکاوی است؛ بر این اساس، تمامی کتاب‌ها، مدارک، اسناد، پایگاه‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های در دسترس پژوهشگران که به بررسی این مفاهیم پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته و از آن‌ها فیش‌برداری شده است.

تحولات و اقتضائات جهان رسانه‌ای معاصر

در عصر کنونی، ارتباطات مهم‌ترین ساحت رفتاری و وجودی جوامع است؛ در این میان، رسانه‌ها به عنوان مهم‌ترین عامل ارتباط شناخته می‌شوند.

۱. بستان، ۱۳۹۱.

۲. زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱.

بر این اساس، انسان‌ها با یکدیگر از طریق رسانه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند، به رسانه‌ها اعتماد کرده و زندگی مشترک درازمدتی را با رسانه‌ها رقم می‌زنند. یکی از پیامدهای تحول بزرگ فناوریانه موسوم به انقلاب اطلاعاتی که از دهه ۱۹۸۰ میلادی با رایانه‌های خانگی و از یک دهه بعد با اینترنت به وقوع پیوست، رسانه‌ای شدن شدید و حتی شتاب زده جهان بوده است. این زیست انسان- رسانه در کنار پدیده‌هایی هم‌چون جهانی شدن و ویژگی‌هایی هم‌چون جهان‌شمولی رسانه- جهان را به محیطی باز و انسان را به عنصری شنوا، فعال و خلاق تبدیل کرده است. متأثر از این تحولات، صداها، کوچک درون جامعه نیز طنین وسیعی در نظام‌ها ایجاد می‌کند.^۱

در این وضعیت نوین، دو ویژگی پویایی بخش مدرنیته که در آفرینندگی هویت انسان دوران جدید نقش دارد، عبارت است از:

۱. بازاندیشی؛ فرد در پرتو اطلاعات تازه‌ای که به واسطه توسعه و گسترش ارتباطات- که خود پیامد جدایی زمان و مکان است- عملکردها را بررسی مجدد می‌کند.

۲. از جاکندگی؛ به معنی کنده شدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی هم‌کنش و تجدید ساختار این محیط‌ها در جهت پهنه‌های نامحدود مکانی- زمانی است.

به ابتدای این دو ویژگی، فرد- پیوسته- عملکردهای اجتماعی خود و آنچه که در ارتباط با دیگران و جامعه انجام می‌دهد را مورد بازسنجی قرار داد؛ گاهی نیز به گونه‌ای اساسی عملکردهای خود را اصلاح می‌کند.^۲

۱. فاضلی، ۱۳۹۴.

۲. گیدنز، ۱۳۷۷، ص. ۴.

بیان این نکته نیز لازم است که- در همه فرهنگ‌ها و دوران‌ها- انسان عملکردهای اجتماعی خود را پیوسته مورد بازاندیشی قرار می‌داده است؛ اما- تنها- در عصر مدرنیت است که تجدید نظر بنیادی، در همه جنبه‌های پایه‌ای زندگی انسان صورت می‌گیرد. از طرف دیگر- فرد- هویت شخصی خود را به واسطه اطلاعات گوناگونی که رسانه‌های ارتباط جمعی مدرن در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در اختیارش قرار می‌دهند، به طور پیوسته مورد بازاندیشی قرار داده و تغییراتی در آن ایجاد می‌کند؛ به گونه‌ای که تغییرات ایجاد شده ممکن است همخوان یا ناهمخوان با مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی جامعه‌اش باشد.

در چنین شرایطی، با نوعی تجزیه شدن فرهنگ و ظهور معیارهای تازه برای تعیین فرهنگ مطلوب یا سنجش خواست‌ها، نیازها و ایده‌آل روبه‌رو هستیم. تأثیر رسانه‌های نوگرا در تقویت احساسات و تحت‌الشعاع قرار دادن عقلانیت، باعث به‌وجود آمدن انسانی جدید با ذائقه‌ای نو می‌شود؛ در نتیجه با هویت‌های متکثر و الگوهای متعدد سبک زندگی مواجه می‌گردیم.

کالاهای فرهنگی تولیدی در این فضا- از جمله محصولات رسانه‌ای- در بستر تضعیف پایگاه‌های هویت‌ساز گذشته تکثیر و مصرف می‌شود و هویت‌های فردی، گروهی و جنسی با محوریت مصرف کالاهای فرهنگی جدید شکل می‌یابد و متحول می‌گردد.^۱

از معضلات مهم جامعه و خانواده- در عصر معاصر- روبه‌رو شدن با انبوه اطلاعاتی است که از تولیدکنندگان آن شناخت چندانی ندارند؛ اگر در گذشته اطلاعات کمتری می‌رسید، راه‌های ساده‌تر و مطمئن‌تری برای شناخت درست و غلط در اختیار بود؛ اما امروزه اعضای خانواده و جامعه برای دسترس یافتن به اطلاعات پاک با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند.

۱. بیانیه تحلیلی مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۹.

به بیان دیگر- در عصر حاکمیت اینترنت- مراجع سنتی که بر اساس اصل اعتماد و وثاقت، مجرای اصلی کسب و تأیید اطلاعات بودند، جایگاه پیشین خود را از دست می‌دهند و در کنار مرجعیت‌های ناشناس و ناسالم در یک رتبه قرار می‌گیرند؛ این بدان معنا است که تحیر در کسب اطلاعات و تحلیل‌ها از ویژگی‌های عصر رسانه‌های جدید است.^۱

در جریان انتقال اطلاعات، فرهنگ‌های خاصی بیش از همه در جایگاه پیام‌فرست و فرهنگ‌ساز نشسته‌اند و زمینه‌ای پدید می‌آورند تا ساکنان جامعه جهانی از زاویه نگاه آنان جهان را تحلیل کنند؛ بنابراین می‌توان از این دیدگاه دفاع کرد که تأثیر گفتمان مسلط آن است که در فرایند بازتفسیر عناصر فرهنگی توسط آحاد جامعه- گفتمان مسلط- اصول حاکم بر این بازتعریف را مشخص می‌کند.

به‌عنوان نمونه، سیطره جریان اطلاعات و مفاهیم مدرن و همسو با سرمایه‌داری این نتیجه را دارد که جوان مسلمان با وجود حفظ مسلمانی، عناصری از فرهنگ بیگانه از جمله فردگرایی، نسبیت‌پذیری گزاره‌های اخلاقی، ثبات‌گرایی و لذت‌گرایی را می‌گیرد و آن را اساس بازنگری در تفسیر دین و آموزه‌های فرهنگی خود قرار می‌دهد.

نتیجه این بازتفسیر دستیابی به فهمی جدید، سیال، مدرن و التقاطی از آموزه‌های دینی است؛ همین اتفاق البته در دیگر حوزه‌های فرهنگی نیز رخ می‌دهد. به‌عنوان مثال؛ خانواده در تعامل با مفاهیم و آموزه‌های جدید به داد و ستد می‌پردازد و در این فرایند عناصری از فرهنگ بیگانه را برای بازتفسیر ارزش‌ها و عقاید پیشین و بازتولید آداب و رسوم خود به‌کار می‌گیرد.^۲

۱. مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۹، شماره ۳۵.

۲. همان.

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۴۳

تحت تأثیر چنین فضایی، جامعه به واسطه هیجان، دستپاچگی و شگفت‌زدگی کنشگران رسانه‌ای از یک سو و فقدان تجربه گفتگو از سوی دیگر، در حال تجربه نوعی شوک فرهنگی است.^۱

زنان و زندگی ایشان نیز تحت تأثیر عصر تکنولوژی ارتباطی تغییراتی را تجربه می‌کنند؛ به تعبیر کاستلز^۲ - جامعه‌شناس اسپانیایی - ارتباطات مبتنی بر کامپیوتر، انقلابی در فرایند ارتباطات و به واسطه آن فرهنگ ایجاد خواهد کرد، و ارتباطات کامپیوتری به دلیل تازگی تاریخی این رسانه و بهبود نسبی جایگاه قدرت برای گروه‌هایی از قبیل زنان، ممکن است فرصتی برای معکوس کردن بازی‌های سنتی قدرت در فرایند ارتباطات فراهم کند.^۳

ایجاد امکان دسترسی به اطلاعات بدون مرز مکانی و زمانی توسط این رسانه‌ها، منابع جدیدی در اختیار زنان برای سامان‌دهی شیوه زندگی خود و خانواده‌شان قرار می‌دهد؛ به این ترتیب، زنان با دسترسی به منابع جهانی در کنار منابع محلی بر پایه جایگاه اجتماعی‌شان، امکان تجدیدنظر در بسیاری از ابعاد زندگی خود را یافته و با بازسنجی عملکردهای اجتماعی خود متناسب با شرایط مکانی و زمانی تلاش می‌کنند تصویر یک‌دست و متفاوتی از خود ارائه دهند.^۴

ویژگی‌های متمایز فضای مجازی در قیاس با محیط حضوری

جهان مجازی هر چند بشر را از واقعیت جهانی جدا نمی‌سازد؛ اما چند ویژگی مهم زیر آن را از جهان واقعی و از رسانه‌های پیشینی ممتاز می‌کند:

۱. فاضلی، ۱۳۹۴.

2. Manuel Castells

۳. کاستلز، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۱۷.

۴. کرمی، ۱۳۹۳.

اینترنت و فضای مجازی در مقایسه با سایر امکانات ارتباطی و برخلاف وسایل ارتباط جمعی دیگری هم چون روزنامه، سینما، رادیو و تلویزیون که اخبار و اطلاعات مورد نظر را یک سو به انتقال می دهند، ابزاری دوسویه است.

فضای مجازی از این ظرفیت برخوردار است که همه می توانند بدون تبعیض از اطلاعات آن استفاده کنند، و یا انبوهی از اطلاعات را به آن اضافه نموده مرزهای غایب و حاضر در آن کم رنگ می شود.^۱ در این فضا می توان با نگهداری تصاویر و صداها به عقب بازگشت و وقایع را بارها مشاهده کرد.

فضای مجازی، برخی قابلیت های متافیزیکی را به طور مادی-مثل حضور در همه جا و حذف فاصله- در بردارد؛ لذا می توان تغییر در مفاهیمی مثل زمان، مکان و انرژی را از دیگر ویژگی های فضای مجازی دانست.

از طرف دیگر، الگوریتمی شدن رسانه های داده مبنا سبب می شود الگوریتم رسانه مسیر داده را تعیین کند؛ به بیان دیگر اهمیت خبر را فقط محتوای آن تعیین نمی کند، بلکه الگوریتم های غول های اینترنتی، جایگاه محتواها را تعیین می کنند.

علاوه بر این، فضایی مصنوعی و ساختگی است؛ اما پدیده های این جهان مجازی به نوعی تکرار پدیده های جهان واقعی و تلاش برای ساخت واقعیت در فضای مجازی است؛ لذا می توان گفت فضای مجازی فضایی سراسر نمادین است که رمزی شدن، رمزگذاری و رمزگشایی به صورت فرایند اصلی در آن جریان دارد.^۲

نتیجه این ویژگی ها آن است که مرزهای جغرافیایی، صنفی، جنسیتی، فرهنگی و اخلاقی درنور دیده می شود، و می توان آزادانه اقتدار خود را در این فضا به نمایش گذاشت و لذت های بیشتری را در دسترسی به هر چیز و در هر زمان تجربه کرد.^۳

۱. عطایی کجویی و دیگران، ۱۳۹۶، صص. ۱۵۸-۱۵۷.

۲. به نقل از: کاظمی، ۱۳۸۷، صص. ۶۶-۴۴.

۳. بیانیه تحلیلی مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۹.

همین جذابیت‌ها، قابلیت‌ها و ویژگی‌های خاص فضای مجازی آن را به محیطی برای تعاملات اجتماعی مبدل کرده است تا آن‌جا که می‌توان مدعی شد جهان مجازی، شکل دیگری از جهان واقعی است، و به تعبیر کارشناسان واقعیت مجازی^۱ را رقم می‌زند. اندیشه‌وران از این تحول به پارادایم دو جهانی شدن‌ها تعبیر می‌کنند؛ لذا دو جهان موازی و در عین حال مرتبط و در هم آمیخته مشاهده می‌شود که جهانی شدن‌های متکثری را در درون خود جای داده‌اند.

جهان اول با خصیصه جغرافیا داشتن، برخورداری از نظام سیاسی مبتنی بر دولت- ملت، طبیعی- صنعتی و محسوس بودن و احساس قدمت داشتن از جهان دوم قابل تمایز است؛ جهان دوم نیز با خصیصه‌هایی مثل برون مکانی، فرازمانی و صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر دولت- ملت‌ها، اتکا به معرفت‌شناسی تغییر شکل یافته پسا مدرن، دسترسی‌پذیری هم‌زمان، روی فضا بودن و برخورداری از فضای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جدید از جهان اول به‌صورت نسبی جدا می‌شود؛ اما این دو جهان در بسیاری موارد تبدیل به دوقلوهای به هم چسبیده می‌شوند و تعامل فردی و اجتماعی در قلمرو زیادی متکی به تعامل‌های دو جهانی می‌شود؛ لذا دو جهانی شدن‌های به هم چسبیده مشاهده می‌شوند.^۲ دو جهان حقیقت و مجاز- در کنار اشتراکات- دارای افتراق‌های قابل اعتنائی نیز هستند؛ به‌عنوان مثال، کنشگران اجتماعی فضای مجازی بر اساس منطقی متفاوت با کنشگران فضای واقعی و عصر پیش از انقلاب اطلاعاتی عمل می‌کنند؛ هم‌چنین موقتی بودن و سیالیت ارتباط‌ها و پیوندها در فضای مجازی مشاهده می‌شود.

1. Virtual Reality

به طور کلی، همه چیز در فضای مجازی، موقتی است و تضمینی برای ادامه فعالیت و کنش یک عضو در یک جماعت مجازی وجود ندارد؛ به همین جهت هیچ احساس مسئولیتی درباره یکدیگر ندارند و روابط، تنها به شکلی عاطفی، لحظه‌ای و هیجانی شکل گرفته و تصمیم‌گیری می‌شود.

آموزش جنسیتی

۱. اندیشه شیعی و تعلیم و تربیت زنان

اسلام، از برابری انسانی^۱ و ارزشی^۲ زن و مرد دفاع نموده، و سعادت و فضیلت را به طور یکسان به هر دو وعده داده است؛^۳ لذا قرآن کریم در برشمردن مقامات معنوی، صفات جنسیتی را به صورت زنانه و مردانه و کنار هم می‌آورد،^۴ که این امر نشان‌گر امکان نیل زنان و مردان به جایگاه ارزشی برابر است. هم‌چنین در آموزه‌های دینی بر ارزشمندی علم و علم‌آموزی برای زن و مرد به طور عام و یکسان تأکید می‌شود.

برای نمونه؛ پیامبر اکرم ﷺ جستجوی علم را بر هر مسلمان اعم از مرد و زن واجب دانسته،^۵ و به طلب علم از بدو کودکی تا زمان فرارسیدن مرگ و حتی در دورترین نقاط عالم سفارش کرده^۶ و علم‌آموزی زنان انصار را چنین ستایش کرده‌اند:

۱. ر. ک: نساء، ۱؛ روم، ۲۱.

۲. ر. ک: آل عمران، ۱۹۵؛ نساء، ۱۲۵-۱۲۴؛ نحل، ۹۷؛ احزاب، ۳۵؛ نوح، ۲۸؛ توبه، ۷۱؛ غافر، ۴۰؛ حدید، ۱۲؛ حجرات، ۱۳.

۳. ر. ک: بقره، ۳۰؛ اسراء، ۷۰؛ مؤمنون، ۱۲-۱۰؛ حجرات، ۱۳؛ حجر، ۲۹.

۴. ر. ک: احزاب، ۳۵.

۵. حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۸، صص. ۱۴-۱۳.

۶. همان، ص. ۱۴.

زنان انصار، خوب زنانی هستند؛ زیرا شرم و حیا آنان را از پرسش و کسب آگاهی در امور دینی باز نمی‌دارد.^۱

در اندیشه شیعی، فرد، خانواده و اجتماع می‌بایست نگرش‌ها، تمایلات، احساسات و رفتارها را به‌گونه‌ای هدایت کنند که انتظارات خداوند از انسان محقق شود، و او بتواند به‌درستی تکالیف و مأموریت‌های خویش را به سرانجام برساند؛ لذا اگر تمایزات زن و مرد در صفات تکوینی، موقعیت‌ها، نقش‌ها و حقوق، پذیرفته شود و انتظارات متفاوت خداوند از آنان و تعیین حقوق و تکالیف متناسب با آن در نظام تشریعی باور شوند، ضرورت توجه برنامه‌های تربیتی به نظام جنسیتی در اندیشه دینی و تلاش برای ایفای نقش خانواده‌محور دو جنس، خدشه‌ناپذیر خواهد بود.

بر این اساس- در نظام تربیتی دینی- دختران و پسران باید برای ایفای موقعیت‌ها و نقش‌های خاص جنسیتی خود در خانواده و اجتماع تربیت و آماده شوند؛^۲ چنان‌که در طول تاریخ، جنسیت‌گرا و خانواده‌محور بودن تربیت از بدیهیات شمرده شده است. با این همه- در سده اخیر- نظام آموزشی مدرن و رسانه‌ها و سیستم تربیت غیر رسمی، این ضرورت را نادیده گرفته‌اند تا جایی که امروزه، طرفداران دیدگاه فمینیستی و برخی از جامعه‌شناسان، جنسیت را فارغ از زمینه‌های تکوینی دانسته و نظام‌های آموزشی را به‌سمتی حرکت می‌دهند که تمایزات روانی را تغییر داده و زن و مرد را از لحاظ روانی یکسان تربیت کنند و پرورش دهند.

۱. متقی‌هندی، ۱۴۰۹، ص. ۶۳۷.

۲. برای آن‌که دختر پس از اتمام دوران آموزشی بتواند در خانواده نقش مادری را ایفا کند، لازم است در زمان مدرسه، خانواده و انگیزه تشکیل خانواده برای او مهم جلوه داده شود و مادری برای او به‌عنوان یک ارزش بیان شود؛ همین‌طور متناسب با نقش همسری، پدری و سرپرستی خانواده و متناسب با انتظاراتی که از پسر در آینده وجود دارد، می‌بایست آموزش‌های لازم به وی داده شود.

این نظام تربیتی ارتباط مثبتی با خانواده و ارزش‌های جنسیتی برقرار نمی‌کند، و فردگرایی را به جای خانواده‌محوری و تشابه را به جای لحاظ تفاوت‌های جنسیتی دامن می‌زند.

توجه به ویژگی‌های زیستی و روانی هر جنس به این معناست که اگر - به عنوان مثال - رهیافت‌های قطعی علمی، قوی‌تر بودن پسران را در تصویر اشیای سه بعدی نشان دهد، ممکن است نتیجه این باشد که کتاب ریاضی دختران حاوی تصاویر بیشتری باشد؛ زمانی که دختر و پسر به سن بلوغ می‌رسند ممکن است با توجه به ظرفیت‌های روانی متفاوت‌شان، شباهت متفاوتی در ذهن آن‌ها شکل بگیرد.

به عنوان نمونه - در دختران - چون عنصر عاطفه در آنان قوی‌تر است، ممکن است در مواجهه با شخص معلول، نسبت به عدالت خداوند دچار شبهه شوند؛ لذا در این صورت متون تعلیمات دینی دختران می‌تواند متفاوت و تأکید بر عدالت خداوند در کتاب‌هایشان بیشتر باشد، و با روش‌هایی که با احساس و عاطفه نزدیکتر است، اثبات وجود خداوند صورت گیرد.^۱

بنابراین، از عوامل مؤثر در تضعیف خانواده - در سده‌های اخیر - ناهمسو بودن نظام آموزشی و رسانه‌ها با ارزش‌ها و اقتضائات خانوادگی است.

نتیجه اعتقاد به تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، تفاوت در کارکردها، تفاوت در هویت زنانه و مردانه، تفاوت در نقش‌های جنسیتی، تفاوت در گزاره‌های اخلاقی و تفاوت در نظام حقوقی - تربیتی و آموزشی است.

در همین راستا، الکسیس کارل^۲ فرانسوی معتقد است:

نباید به دخترها همان پرورش فکری، شیوه زندگی و آرمانی را عرضه کرد که به پسرها عرضه می‌شود؛ بلکه مرئیان باید تفاوت‌های جسمانی و روانی زن و مرد

۱. بیانیه تحلیلی مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۷.

و نقش‌های طبیعی آنان را در نظر بگیرند؛ چرا که میان دو جنس تفاوت‌های چاره‌ناپذیری وجود دارد که در ساختن دنیای متمدن نباید از این تفاوت‌ها غافل ماند.^۱

با توجه به آن‌که اختلاط جنسی غیر ضروری- در دین اسلام- مطلوب نیست، از زن و مرد انتظار می‌رود تلاش کنند در رشته‌هایی به تحصیل بپردازند که در آینده نیازمند اختلاط با جنس مخالف نباشد؛ هم‌چنین با توجه به اهمیت مادری و همسری در اسلام و نظام مشارکت اجتماعی در این دین، زنان می‌بایست به آموزش‌هایی مبادرت نمایند که در آینده کاری، نیازمند عدم حضور بلندمدت در کنار خانواده و فرزندان نباشد.^۲

۲. خوانش انتقادی نظام آموزشی حضوری

چالش‌های جهانی آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم را می‌توان ناشی از دیدگاه‌های نوبه کارکردهای آموزشی و پرورشی دانست؛ امروزه- تقریباً- کسانی که به دنبال توسعه و اصلاحات هستند از آموزش و پرورش شروع می‌کنند و رویکردهای برآمده از عصر جدید ارتباطات و فناوری‌ها در تعلیم و تربیت از جمله دیدگاه حداکثری مبتنی بر خودیادگیری و چگونگی یادگیری (فراشناخت)، یادگیری فرایندمدار و مستقل؛ موجب حرکت تدریجی در بازتعریف مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت شده است.

در عصر معاصر، علم، تدریس، معلم، شاگرد، محتوای درسی و مدرسه در حال احراز تعاریف جدید هستند- بر خلاف گذشته- آموزش و پرورش معاصر به معنای فرایند دائمی یادگیری توسط هر انسان و هر جامعه است؛ به علاوه، یکی از اهداف تازه

۱. بیانیه تحلیلی مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۷.

۲. بستان، ۱۳۹۱، صص. ۱۵۰-۱۳۷.

آموزش و پرورش، یادگیری تغییر است. کسب دانش، پرورش هوش، استعداد، شناخت خود و آگاهی از موهبت‌ها و استعدادهای خویش، به‌کار انداختن قوای ذهنی خلاق و پر تخیل، غلبه بر انگیزه‌های نامطلوب و ویران‌گر، ایفای نقش مسئولانه و... از جمله هدف‌های آموزش و پرورش نوین است.^۱

از همین رو، جهانی‌شدن موجب شده در بسیاری از موارد، مرزهای سنتی آموزش از بین رفته و نیازمند بازتعریف شوند.

بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که با روش‌های سنتی و غیر کارآمد وارد عرصه پیشرفته آموزشی در عصر اطلاعات شده‌ایم؛ به‌همین دلیل نه توان جذب تمامی علاقمندان دارای استعداد وجود دارد، نه امکان آموزش مناسب به‌معدود افرادی که جذب شده‌اند، مشاهده می‌شود.

امروزه، موضوعات و رویکردهای نوین آموزشی از تحولات علمی و فناوری‌های جدید رسانه‌ای- به‌ویژه IT و ICT- نشئت می‌گیرند؛ همین تحولات زمینه را برای ظهور دیدگاه‌های نو هموار کرده و آن‌ها را فراتر از مرزهای ملی در چارچوبی جهانی مطرح می‌سازند.

علاوه بر این، دیدگاه‌های نو آن‌ها را از محدوده نخبگان و اندیشمندان جامعه خارج نموده و به‌صورت رویکردی اجتماعی مطرح ساخته و مسؤولیت‌ها و چالش‌های نوینی را فراروی نظام‌های آموزش و پرورش ملی قرار می‌دهند.^۲

در نقادی نظام آموزش حضوری در ایران می‌توان به این نکته اشاره کرد که مدرسه، یک نهاد میانجی بین شهروندان و دولت است؛ اما ارتباط خلاق و مشارکتی با این دو ندارد؛ به این معنا که علائق عموم به‌سمتی و علائق نظام آموزشی به‌سوی

۱. کینگ و اشنایدر، ۱۳۷۴.

۲. فاضلی، ۱۳۹۴.

دیگری جهت‌گیری شده‌اند؛ هم‌چنین در این نظام آموزشی، حفظ و یادگیری- به اصطلاح- طوطی وار رواج یافته است؛ به نحوی که مجموعه‌ای داده توسط نظام آموزشی به فراگیران تحمیل شده و همین موضوع، انتقادی اندیشیدن و راه تفکر را از آنان گرفته است.

بنابراین، آموزش و پرورش رسمی کشور بر محفوظات تکیه دارد که این روند برای هر دانش‌آموزی تا دوازده سال ادامه می‌یابد؛ لذا اغلب آموزش‌هایی که طی این مدت ارائه می‌شود، تا مرحله ذهنیت است و به عینیت نمی‌رسد؛ این فقدان همراهی ذهنیات با عینیات و تماس نیافتن آموزه‌های تئوریک با تجربه‌ها و واقعیت‌ها، نتیجه‌ای جز بیگانه‌سازی دانش‌آموزان با دنیای پرتنوع و فعال بیرونی ندارد.

به عبارت دیگر- آموزش و پرورش رسمی ایران- دانش‌آموزان را با فرایندهای اجتماعی درگیر نمی‌سازد؛ لذا دانش‌آموزان برخاسته از این نوع نظام آموزشی در رویارویی با موج فرهنگ جهانی دچار انحرافات فکری خواهند شد؛^۱ یعنی نگاه ابزاری به آموزش و فقدان روح گفتگو و انتقال یک سویه معلومات به فراگیر از آسیب‌های اساسی این نظام است.

هم‌چنین جامعه کنونی توان پاسخگویی به همه مطالبات واردشوندگان به نظام آموزش عالی را ندارد به نحوی که میان ورودی‌ها و نیازها تناسبی برقرار نشده است؛ لذا هدر رفتن سرمایه‌های ملی و فردی و در رأس آن سرمایه عمر جوانان مشاهده می‌شود؛ از سوی دیگر، احساس غبن و ضرر از ورود به سیستم آموزش عالی برای بسیاری از فارغ التحصیلان باعث بروز فشارها و نارضایتی‌های روحی و روانی و افزایش مطالبات اجتماعی و سیاسی می‌شود.^۲

۱. بیات، ۱۳۸۳، ص. ۵۹.

۲. مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۵.

امروزه تحت تأثیر ادبیات مسلط جهانی، شاخص‌های توسعه جنسیتی^۱ از شاخص‌های مهم در توسعه‌یافتگی کشورها به‌شمار می‌رود؛ لذا برابری، به‌معنای تشابه و از میان بردن تمامی تمایزات جنسیتی- در حیطه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی- دنبال می‌شود.^۲

در همین راستا سپردن نقش‌های یکسان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به زنان پی‌گیری می‌شود، و برای جنسیت‌زدایی از نظام آموزشی، برنامه‌های حساس به جنسیت طراحی می‌گردد تا تصاویر کتب درسی، محتواها و روش‌های آموزشی را که میان دو جنس تمایز قائل می‌شود، شناسایی و به اصلاح آن اقدام نماید.^۳

به‌عنوان مثال؛ تصاویری که دختران را با عروسک و پسران را با دوچرخه و یا دختران را مشغول انجام کارهای خانگی نشان می‌داد، باید اصلاح می‌گردید.

در سالیان گذشته این ادبیات برآمده از آموزه‌های فمینیستی در بخشی از نظام آموزش حضوری- رسمی- کشور به‌بهانه کلیشه‌زدایی و تحقق برابری جنسیتی، وارد شد.

به‌طور کلی، می‌توان در مواجهه با اسناد و شاخص‌های بین‌المللی سه نوع برخورد داشت:

۱. تقلید محض (مواجهه ماشینی)؛
۲. انتقال‌گزینی بر اساس نیازسنجی در نظام آموزشی؛
۳. انتقال مولد؛ به این معنا که نسبت به اسناد آموزشی نگاه منتقدانه وجود داشته باشد و آن را برای حل مسائل، منبع الهام قرار داد؛ این روش، مواجهه خلاقانه با تجارب سایر کشورها است.

1. Gender Development Indicator (GDI)

۲. یونیسف، ۱۳۷۳، ص. ۹۸.

۳. بیانیه تحلیلی مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۷.

چنین نظام آموزشی که در مراحل اول و دوم گرفتار شده باشد، به کاهش کارآمدی و اقتدار خانواده می‌انجامد که این بی‌توجهی به صفات و موقعیت‌های متمایز زنانه و مردانه پیامدهای ناگواری بر خانواده بر جای خواهد گذاشت. به‌عنوان یک نمونه موردی:

برای اولین بار در تاریخ بشر، ما دختران و پسران را مانند هم تربیت می‌کنیم و به آنان باور می‌دهیم که یکسان هستند و هر یک دارای توانایی‌های دیگری است؛ بعد، زمانی که همین پسران و دختران آماده ازدواج شدند و با هم ازدواج کردند، متوجه می‌شوند که از هر جهت، با هم متفاوت هستند؛ بنابراین، تعجبی ندارد که روابط و ازدواج‌های جوانان منجر به ناکامی و بحران شود؛ لذا هر ذهنیتی که بر یکسان بودن جنسیت‌ها اصرار کند، خطرناک به‌نظر می‌رسد. چگونه می‌توان از مردان و زنانی که ساختار مغزی - کاملاً - متفاوتی دارند، رفتار یکسانی طلب کرد؟^۱

از طرف دیگر، تحول در نظام آموزشی زنان به کاهش انگیزه ازدواج، افزایش سن ازدواج و فاصله میان ازدواج و فرزندآوری می‌انجامد؛ هم‌چنین تغییر در ملاک‌های انتخاب همسر یکی از پیامدهای غلبه یافتن دختران در دانشگاه‌ها قلمداد می‌شود؛ ضمن آن‌که به تشکیل خانواده‌هایی منجر خواهد شد که میزان تحصیلات زنان در آن، از مردان بیشتر است که این امر - در بسیاری موارد - به ایجاد تنش و تغییر در الگوهای روابط همسران منجر خواهد شد؛ چون وقتی زنان تحصیل کرده در جامعه غلبه یافتند و گروه قابل توجهی از آنان نیز به‌واسطه برخورداری از درآمد و استقلال اقتصادی قدرت مضاعفی یافتند، ساختار اقتدار در خانواده تغییر خواهد کرد که به‌نظر می‌رسد هم‌زمان با افزایش اقتدار زنان در خانواده و کاهش تعهد و مدیریت

مردان و کارآمدی و نقش خانواده و تضعیف الگوی رایج تقسیم کار خانگی در خانواده هسته‌ای، اساس خانواده در معرض تغییر قرار خواهد گرفت.

از آن‌جا که فرهنگ مدرن ارزشمندی را در احراز مناصب قدرت و کسب ثروت می‌داند، تسلط گفتمان مدرن در نظام آموزشی رسمی سبب شده است دختران با درونی‌سازی همین ارزش‌ها به تحلیل وضعیت گذشته خود بپردازند، احساس فرودستی کنند و برای رسیدن به مناصب قدرت و کسب استقلال مالی تلاش نمایند.

هم‌چنین، تغییر الگوی مشارکت اجتماعی از الگوی خانواده‌محور به اشتغال‌محور، نشانه‌ای از تعریف شدن عزتمندی اجتماعی زنان به مدرک و شغل است تا آن‌جا که شمار زیادی از زنان برای احراز موقعیت اجتماعی در تکاپوی دستیابی به فرصت‌های شغلی خاصی هستند که درآمدزایی آن‌ها ناچیز یا کمتر از هزینه‌های آن است. البته باید در نظر داشت که بسیاری از رشته‌ها- صرف‌نظر از فرصت‌های شغلی ممکن- تناسبی با نیازهای شخصی و صنفی دختران پیدا نمی‌کنند؛ بر این اساس و به دلیل وجود جو کاذب، لزوم ورود تمام همه به دانشگاه و مقاطع تحصیلی، هزینه‌های سنگین ملی و سرمایه عمر و جوانی تعداد زیادی از دختران به‌هدر می‌رود که مدیریت و پیشگیری از آن، بایسته به نظر می‌رسد.^۱

بیان این مطلب نیز لازم است که فراگرفتن علم برای مردان و زنان در رأس فضیلت‌های اسلامی و انسانی است؛ اما نمی‌توان مدعی شد که جریان آموزش عالی در کشور با تمام تنوعات و گرایشات متفاوت، از مصادیق تعلیم و تعلم ارزشمندی است که آموزه‌های اسلامی آن را ترویج می‌کنند؛ چرا که علم نشر داده شده در این نظام آموزشی متأثر از نهاد آموزش مدرن است؛ نظام تربیتی مدرن نیز برای پرورش انسان مدرن و تأمین

نیاز بازار متناسب با نظام سرمایه‌داری طراحی شده است که این اهداف به کورجنسی نظام آموزش و پرورش و بی‌توجهی آن به تفاوت‌های جنسیتی منجر می‌شود.^۱ البته ممکن است این آسیب‌ها با حضوری و رسمی بودن نظام آموزشی عجین نباشد و در آموزش‌های مجازی نیز تکرار شود؛ اما به واسطه دشواری و زمان‌بری گذر از این ساختار آموزش و پرورش تحکیم‌یافته - در دهه‌های اخیر - توجه فوری به آموزش‌های مکمل و بها دادن به تربیت غیر رسمی لازم است.

۳. فضای مجازی؛ ابزار تربیت غیر رسمی و آگاهی‌بخش به زنان

گسترش رسانه‌ها باعث شده است تمام فرایندهای تولید، انتقال، یادگیری و یاددهی فرهنگ، تعلیم و تربیت، جامعه‌پذیری و تغییر و دگرگونی فرهنگ متأثر از رسانه‌ها قرار بگیرد، و میان ارتباطات جمعی و فرهنگ رابطه‌ای وثیق برقرار شود.^۲ بر این اساس رشد فناوری‌های ارتباطاتی، تنوع محصولات و روش‌ها و متون آموزشی منجر به آن شده که بخشی از بدنه اجتماع - به‌ویژه نوجوانان و جوانان - در حالی که در درون یک نظام آموزشی رسمی واحد در حال تحصیل هستند، به واسطه دسترسی به امکانات تازه - به‌ویژه شبکه اینترنت - به‌صورت غیر رسمی از آموزش‌های دیگری نیز بهره‌مند شوند. در عین حال، این‌که نقش آموزشی و پرورشی خانواده و نهادهای فرهنگ‌ساز دیگر - هم‌چون مساجد - در حاشیه بماند یا کم‌رنگ گردد، صحیح نیست؛ اما در جهان معاصر، رسانه - عملاً - کارکردهای بسیاری از نهادهای آموزشی، دینی و فرهنگی دیگر را برعهده گرفته است تا جایی که به مؤثرترین نهاد بر تربیت کودکان و نوجوانان مبدل شده و بر هویت و نقش‌های جنسیتی مؤثر بوده و نقش پررنگ‌تری را در قبال خانواده ایفا می‌کند.

۱. بیانیه تحلیلی مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۷.

۲. مک‌کوایل، ۱۳۸۴.

به طور کلی، با پیشرفت تکنولوژی و پدید آمدن ابزارهای رسانه‌ای جدید، امکان انتقال اطلاعات به اشکال گوناگون در فضای مجازی پدید آمده است؛ این تحولات، فضای مجازی را به ابزاری مناسب برای آموزش تبدیل نموده است؛ لذا انتقال سریع اطلاعات و تبادل آن میان افراد به صورت مستقیم و زنده، دسترسی به منابع اطلاعاتی و علمی به صورت هم‌زمان، بهره‌برداری از ابزارهای کمک‌آموزشی چندرسانه‌ای و تحت وب، برقراری ارتباط با افراد متعدد از سراسر دنیا از جمله قابلیت‌های این شبکه است که در امر آموزش، تربیت و ارتقای علمی اعضای خانواده و اجتماع می‌توان از آن بهره‌مند شد.

هم‌چنین- این تکنولوژی- روابط آموزشی را نیز تسهیل کرد؛ به عنوان مثال تا قبل از عضویت در شبکه‌های اجتماعی، بسیاری از سؤالات پیامکی و ایمیلی دانشجویان بی‌پاسخ می‌ماند؛ اما با راه‌اندازی این گروه‌ها- به‌ویژه در سطح انجمن‌ها و کلاس‌ها- الزام اجتماعی برای مشارکت فعال طرفین بیشتر شد.

امروزه در داخل کشور نیز این امکان ایجاد شده است که شرکت‌ها، نهادهای فرهنگی و دینی و نیز سازمان‌های مختلف به این موضوع توجه گسترده نمایند و برنامه‌های آموزشی و علمی متعدد و با تنوع موضوعی و محتوایی مختلفی را در این فضا در اختیار افراد و کاربران قرار دهند.

درخصوص خانواده نیز می‌توان با به‌کارگیری ابزارهای مناسب به انتقال مباحث علمی مورد نیاز افراد خانواده اقدام نمود و نرم‌افزارها، شبکه‌ها یا کانال‌های علمی و آموزشی مورد نیاز و پاسخگو به مشکلات و مسائل خانواده را طراحی و عرضه کرد.

اگر این پیش‌فرض که فکر، تابع ابزارهایی است که آدمی خلق می‌کند و فناوری زاینده تفکر و دانش مختص به خود است، می‌توان به گزاره‌های زیر قائل شد:

۱. فناوری در ایجاد و تحول- در معنی و مفهوم دانش- نقش بنیادی ایفا می‌کند؛ پس می‌توان به توسعه دانش با کمک فضای مجازی اندیشید.

۲. فناوری مجازی در آینده، غیر قابل کنترل است.
 ۳. باید به‌منظور کنار آمدن با بعضی از اقتضائات غیر قابل اجتناب فناوری و فضای مجازی، در مؤلفه‌های تربیت دینی اعم از مفاهیم، تعاریف، حدود و ثغور، دانش دینی، رفتار و عمل دینی، نومفهوم‌پردازی^۱ اجتهادی صورت گیرد.
 ۴. به‌جای منفی دیدن آثار- هر چند در ظاهر چالشی- فناوری، می‌توان آن را فرصتی مثبت برای تربیت دینی تلقی کرد.
- بنابراین، اینترنت و فضای مجازی به شرط آن‌که در راه صحیح استفاده شوند، ابزاری مناسب برای توسعه افکار و اندیشه‌های بشری محسوب می‌شوند.
- به‌نظر می‌رسد در این حوزه- تاکنون- بیشتر آسیب‌های فضای مجازی برجسته شده‌اند؛ اما فرصت‌های ایجاد شده از طریق این فضا- به‌ویژه در تربیت غیر رسمی- نادیده گرفته شده است؛ لذا لازم است از رسانه‌های شدن- به‌نحو آگاهانه‌تر، نقادانه‌تر، گسترده‌تر و مؤثرتر- استفاده شود.
- در دهه‌های اخیر، مقوله فرهنگ جمعی باعث پیدایش نظریه انتقادی فرهنگی شد که موجب گسترش توجه به مقولاتی هم‌چون جنسیت و خرده فرهنگ‌ها در باب ارتباطات جمعی گردید؛ به‌نحوی که تا پیش از آن، تحقیقات رسانه‌ای چندان توجهی به مباحث جنسیت نداشت؛ اما در سال‌های اخیر نظریه‌های عمده‌ای در این باب بیان شده است.^۲
- مطالعات برآمده از این تفطن نشان داد که زنان از این فضای ایجاد شده توانسته‌اند به خوبی استفاده کنند؛ برای خود فرصت‌های کاری بیشتری را مهیا کنند و نیز توانایی‌های فردی و اجتماعی خود را افزایش دهند؛ این امید، به‌وجود آمده است که با آموزش‌های مجازی، زنان بتوانند حرفه‌های خویش را توسعه دهند و فرصت‌های شغلی کم‌خطرتری نسبت به فضای عینی به‌دست آورند.

1. Reconceptualization

هم‌چنین در فضای مجازی، گروه‌هایی - از جمله گروه‌های جنسیت‌محور و خانواده‌مدار - با سلاقی مشترک تشکیل می‌شود که افراد می‌توانند در آن تبادل اطلاعات کنند و از آن لذت ببرند. یافته‌ها نشان می‌دهد سطح اطلاعات عموم - به‌ویژه زنان - در زمینه بیماری‌ها، تغذیه و پزشکی به‌واسطه بهره‌گیری از فضای مجازی افزایش یافته است؛ احساس وظیفه بیشتر مادران برای دانستن نیز از رهاوردهای آموزشی فضای مجازی بوده است؛ هم‌چنین موقعیت مادری، رویارویی با مشکلات جدید که فراروی تربیت پیش می‌آید و نداشتن امکان استفاده از راه‌های دیگر برای کسب دانش و ارتقای آگاهی، موجب می‌شود زنان - به‌خصوص مادران - حضور در فضای آگاهی‌بخش مجازی را مغتنم‌تر بشمارند. از طرف دیگر، پیش از فراگیر شدن رسانه و فضای مجازی - بیشتر زنان کشور - اطلاعات مذهبی خود را بیش از هر جا از مساجد و اماکن مذهبی دریافت می‌کردند؛ اما امروزه زنان نیز مانند مردان - بیشتر - تحت تأثیر فرهنگ رسانه‌ای رشد می‌کنند؛ لذا رسانه‌ها هنجارساز اصلی به‌شمار می‌آیند.^۱

به‌طور کلی، رسانه‌ها - بیشتر - بر اوهام و احساسات افراد اثر می‌گذارند؛ لذا حس‌گرایی، احساس‌گرایی، تخیل‌محوری و آرزوپروری از مختصات فرهنگ رسانه‌ای هستند که فرد را احاطه کرده است که این امور بر سوژه‌های مورد علاقه مخاطبان، روش‌های درک مطلب و شیوه‌های اثرپذیری آنان نیز تأثیر می‌گذارند.^۲

نتیجه آن‌که زنان به‌واسطه غلبه احساسات و عواطف، بیشتر متأثر از این ویژگی رسانه‌ها و فضای مجازی می‌شوند که این مجال، فرصت ویژه‌ای برای حضور گسترده و مؤثر مؤمنان در فضای مجازی - به‌خصوص در جهت ارتقای آموزش‌های غیر رسمی زنان - فراهم می‌کند؛ لذا می‌توان بر روی فرصت‌های فضای مجازی در

۱. رفیع‌پور، ۱۳۸۴، ص. ۴۴۴.

۲. مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۹، شماره ۳۷.

ارائه آموزش‌های جنسیتی و قراردادن زنان و خانواده به‌عنوان موضوع آموزش حساب کرد؛ هم‌چنین ریشه‌کنی بی‌سوادى زنان نیز می‌تواند یکی دیگر از رهاوردهای بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی فضای مجازی باشد.

۴. لزوم اتخاذ سیاست‌های جنسیتی متناسب

جامعه ایرانی، تحولات پرشماری را به‌واسطه تأثیرپذیری از الگوهای اجتماعی و دستاوردهای تکنولوژیک و فناورانه جهان مدرن تجربه کرده است تا جایی که گاهی با این نظام‌ها و رهیافت‌های فرهنگی همخوان و همسو شده و گاهی انطباق و ادغام یافته است که کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند این مسئله دیر یا زود در نظام رسانه‌ای نیز اتفاق بیافتد. اگر این پیش‌فرض پذیرفته شود، چون نظام رسانه‌ای با فرهنگ و باورهای جامعه ایرانی رابطه‌ای نزدیک دارد، چنین انطباقی می‌تواند بسیار خطرناک‌تر از انطباق‌ها و ادغام‌های تکنولوژیک و فناورانه باشد؛ از همین‌رو اتخاذ سیاست‌های جامع و اصولی در مواجهه با چنین تحولاتی لازم است.

جامعه ایرانی در تدوین الگوی مطلوب سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جنسیتی - از جمله در الگوی مناسبات جنسیت و رسانه - وضعیت دشوارتری نسبت به دیگر کشورها دارد؛ از یک سو تحت هجوم مفاهیم، مبانی، نظریه‌ها، الگوها و روش‌های غیر بومی است که ادعای عقلانیت و جهان‌شمولی دارند و اغلب کارشناسان - خودآگاه یا ناخودآگاه - آن‌ها را پذیرفته و در تحلیل‌های خود جاری می‌سازند؛ لذا در چنین حالتی تخلیه ذهنی کارشناسان برای بیرون آمدن از فضای تحلیلی رقیب، دشوار است. از سوی دیگر با آن‌که ادعای جهت‌داری علوم اسلامی، ضرورت نظریه‌پردازی، الگوسازی و تمدن‌سازی مطرح می‌شود؛ در عین حال بضاعت کنونی و مباحث تولیدی، اندک است؛ از دیگر سو کشورهای اسلامی نیز چشم به ایران دوخته‌اند تا از تجربیات متمایز کشور استفاده کنند.

به طور کلی، در زمره دیگر مشکلات فراروی سیاستگذاری در موضوع جنسیت در جامعه ایرانی می‌توان به ضعف مطالعات محیط‌شناسانه و آینده‌نگر، ضعف در موضوع‌شناسی، فقدان شاخص‌های بومی و فقدان الگوی مدیریت مطالبات عمومی اشاره نمود.

آنچه بر حساسیت اقدام برای سیاستگذاری جنسیتی می‌افزاید این‌که پیام اصلی کشور در این عرصه، نفی الگوهای لیبرالیستی غربی و نیز نفی تفاسیر متحجرانه است.^۱ در ادامه، طیفی از دیدگاه‌های متنوع درباره ضرورت سیاستگذاری جنسیتی و دامنه آن به تصویر کشیده می‌شود:

۱. نفی کلی مسائل جنسیتی؛ در این دیدگاه زنان یا مردان - به طور خاص -

مسئله‌ای جز مسائل عمومی جامعه ندارند.

۲. پیاده‌سازی الگوهای زن‌گرایانه و برابری خواهانه غربی؛

۳. سیاستگذاری جنسیتی؛ این نظریه، بازخوانی مناسبات جنسیتی - در حریم

خصوصی یا در سپهر عمومی - را مورد عنایت قرار داده و معتقد به ضرورت

حساسیت جنسیتی در تدوین اسناد توسعه و بازخوانی تمامی سیاست‌ها

و برنامه‌ها با نگاه معطوف به جنسیت و خانواده است.

البته این برنامه، برابری به معنای تشابه حقوق و نقش‌ها و تساوی فرصت‌ها را نه تنها

در زمره آرمان‌های خود نمی‌شمارد، بلکه آن را موجب انحطاط وضعیت زنان و مردان،

ناکارآمدی خانواده و افزایش معضلات اجتماعی می‌داند؛ هم‌چنین زن و مرد در دو

الگوی متمایز اما هم‌جهت، مکمل و کارآمد به نقطه آرمانی که کارآمدی و احساس

ارزشمندی دو ویژگی مهم آن است، حرکت می‌کنند؛ لذا اگر زنان و مردان را دارای

استعدادها و ظرفیت‌های متفاوت بدانیم، کارآمدی آنان در حیات خانوادگی و اجتماعی،

۱. مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۹۳، شماره ۳۸.

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۶۱

به‌شناسایی این صفات متمایز و طراحی سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای پرورش صحیح این ظرفیت مرتبط است.

از آن‌جا که پیش‌نیاز اتخاذ سیاست جنسیتی در موضوع زنان و فضای مجازی، وضعیت‌شناسی و شناخت فرصت‌ها و تهدیدها است، پیش از طرح بایسته‌ها و سیاست‌های قابل اتخاذ، خوانش انتقادی کاربرست فضای مجازی در جامعه ایرانی و پیامدهای مثبت و منفی آن باید بررسی شود، از آن‌جا که زن و خانواده گاهی موضوع آموزش‌های مجازی است و زمانی مخاطب این آموزش‌هاست، هر یک از این فرصت‌ها و تهدیدها، توجه را به بایسته‌های آموزش‌های جنسیتی و خانواده‌محور در فضای مجازی رهنمون می‌سازد.

بنابراین، از برنامه‌ریزان آموزشی در عرصه فضای مجازی انتظار می‌رود به گونه‌ای طرح‌ریزی نمایند که آفت‌های بیان شده گریبان‌گیر عرصه جنسیت و خانواده نشود و ظرفیت‌های احصا شده، در آموزش‌ها تقویت و ارتقا یابد.

وضعیت‌شناسی کاربری فضای مجازی در ایران

اینترنت که در دهه ۱۹۹۰ میلادی استفاده عمومی یافت، در یک دهه اخیر به جامعه ایرانی راه یافته و تحولی در دستیابی به اطلاعات پدید آورده است تا جایی که روزانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون نفر در سراسر دنیا از اینترنت استفاده می‌کنند و در حال حاضر این شبکه به فراگیرترین شبکه جهانی ارتباطات و انتقال اطلاعات تبدیل شده است؛ پیش‌بینی می‌شود- در آینده‌ای نزدیک- اینترنت به هسته مرکزی ارتباطات و روابط میان جوامع و انسان‌ها تبدیل شود. بررسی آمارهای رسمی منتشر شده- تا پایان سال ۲۰۱۵ میلادی- نشان می‌دهد جامعه ایران در زمینه توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات در رتبه ۱۵ منطقه و ۸۹ جهان قرار گرفته است؛ هم‌چنین رتبه ۱۷ مشترکان تلفن همراه با بیش از ۲۴ میلیون دستگاه هوشمند، رتبه ۱۸

پهنای باند به ازای هر کاربر، رتبه ۱۱ خانوار دارای کامپیوتر و رتبه ۱۴ خانوار دارای دسترسی به اینترنت در خانه را- در منطقه- دارد.

بر اساس گزارشات- تا پایان سال ۹۴ شمسی- ۲۱ میلیون نفر در ایران از اینترنت استفاده می‌کرده‌اند، تعداد کاربران اینترنت نیز- طی سال ۹۵- از مرز ۴۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر گذشت؛ به این ترتیب ضریب نفوذ اینترنت در کشور به ۵۳/۲۳ درصد رسیده است.^۱ تحقیقات نشان می‌دهد- در سالیان اخیر- میانگین صرف شده برای اینترنت ۵۲ دقیقه در هفته است؛^۲ از سوی دیگر، متأثر از سن و اقتضائات کاربران، فضای مجازی دارای ویژگی‌های خاصی گردیده است.

به‌عنوان مثال؛ شبکه‌های دوست‌یابی در کشور- به‌سرعت- در میان جوانان ایرانی محبوب شده است تا جایی که ایرانی‌ها رتبه سوم را در این شبکه‌ها کسب کرده‌اند.^۳ کارشناسان بر این باورند که گسترش اینترنت، به خلق محیط‌های جدیدی منجر می‌گردد؛ این محیط‌های جدید با جنسیت ارتباط وثیقی یافته است. علی‌رغم استقبال زنان از اینترنت، میزان کمتری از کاربران را در کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند.

به‌عنوان مثال؛ تنها ۳۸ درصد از کاربران اینترنت در آمریکای لاتین زنان هستند، در حالی که در ژاپن ۱۸ درصد، در روسیه ۱۹ درصد و در اتحادیه اروپا ۲۵ درصد است؛ اما این رقم در خاورمیانه فقط ۴ درصد است.^۴

در ایران نیز با عمومی شدن دسترسی به اینترنت و فضای مجازی، زنان با وارد شدن به این محیط شکل دیگری از حضور در اجتماع امروزی را تجربه کردند

1. <http://www.ict.gov.ir/news>, <http://www.hawzah.net>

۲. صادقیان، ۱۳۸۴.

۳. به‌نقل از: عطایی کچویی و دیگران، ۱۳۹۶.

۴. احمدنیا، ۱۳۸۳.

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۶۳

و به حضور در فضای مجازی علاقه نشان دادند، که حضور بیش از ۳۰ هزار وبلاگ‌نویس زن در وبلاگستان فارسی و نیز حضور فراوان زنان در شبکه‌های اجتماعی مجازی گواه این مدعاست؛ البته موانعی نیز بر سر راه زنان برای حضور بیشتر در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات وجود دارد که عبارت است از: شکاف دیجیتالی، هزینه‌های بالای دسترسی به گزینه‌های تکنولوژی، سطح پایین سواد در زنان و عدم وجود امکانات و تسهیلات در این زمینه.^۱

هم‌چنین مطالعه‌ای که در موضوع زنان کاربر اینترنت انجام شد، مشخص کرد که زنان - بیشتر - مصرف‌کنندگان فضای مجازی هستند و سهم کمتری در مقایسه با مردان در تولید محتوا دارند.^۲

نتیجه آن‌که زنان نیازمند ارتقای آگاهی‌های خود در زمینه ناامنی‌ها و جرایم اینترنتی و در اختیار داشتن اطلاعات مکفی راجع به فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری اطلاعات و ارتباطات هستند.

ظرفیت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی

اینترنت و سیستم‌های چندرسانه‌ای دارای کارکردهای وسیعی بوده و به گونه‌ای در حال رشد هستند که ارتباطات در آن‌ها - به‌طور مداوم - تحول پیدا می‌کند؛ به‌واسطه همین شتاب و رشد تصاعدی و نیز همه‌گیری و همه‌جایی شبکه‌های مجازی، لزوم تحقیق در آثار و پیامدهای اجتماعی آن را ضروری می‌سازد.

نوپیدایی اینترنت، توسعه‌نیافتگی دانش علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی در جامعه علمی، کم‌توانی این دانش در تحلیل عمیق پدیده‌ها، کم‌دغدغه‌گی نهادهای مسئول برای تحلیل فضای مجازی و کمبود داده‌ها و منابع پژوهشی - در جامعه ایران -

۱. ر. ک: کنفرانس تدارکاتی وزیران مجمع اروپایی، ۲۰۰۲.

2. Robins, 2002.

قضاوت در مورد فرصت‌ها و چالش‌های این پدیده را دشوار ساخته است؛ لذا- به‌سختی- می‌توان در مورد خوب یا بد بودن فضای مجازی قضاوت کرد؛ چرا که این محیط از یک سو به تولید علم کمک نموده، آموزش را آسان می‌کند، اوقات فراغت را پر می‌نماید و ارتباطات اجتماعی و انسانی را توسعه می‌بخشد؛ اما از طرف دیگر می‌تواند با اثرات مخرب فرهنگی همراه باشد، و خطر انفراد و انزوا را در برابر انسان قرار دهد.

یکی از پژوهشگران این حوزه، فضای مجازی را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های زندگی مدرن تعریف کرده است که همانند هر پدیده‌ای که منافع و اثرات مثبتی بر زندگی بشر دارد، دارای جنبه‌های منفی و ویران‌گری نیز هست؛ همین امر باعث شده برخی از جنبه تهدیدهای فضای مجازی به آن بنگرند و برخی دیگر- خوش‌بینانه- نظاره‌گر و مدیحه‌سرای ظرفیت‌ها و محاسن آن باشند؛ اما به‌نظر می‌رسد نگاهی واقع‌بینانه و جامع به تهدیدها و فرصت‌های این فضا می‌تواند راهگشا باشد.

نکته‌ای که همه کارشناسان بر آن اتفاق نظر دارند این است که با توجه به مناسبات رسانه با پدیده‌های فراوانی از زندگی بشری، زیستن در این جهان مجازی کار ساده‌ای نیست و نیاز به هوشمندی و درک بالایی دارد که عدم برخورداری از آن‌ها برای هر جامعه‌ای گران تمام خواهد شد؛ لذا ورود بدون برنامه‌ریزی به فضای مجازی خسارات جبران‌ناپذیری به وجود می‌آورد.

بیان این نکته نیز لازم است که در مطالعه این پدیده، گاهی از منظر ماهیت و جوهر رسانه به فضای مجازی نگریسته می‌شود و علل پدید آمدن و تطور و تکامل آن بررسی می‌شود و گاهی به تأثیر آن بر سایر پدیده‌های بشری پرداخته شده و تأثیر و تأثر میان رسانه و آن پدیده‌ها مورد تأمل قرار می‌گیرد.^۱

۱. ر. ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ج ۲-۱.

در ادامه تلاش می‌شود به برخی از آثار فضای مجازی در حوزه‌های مختلف پرداخته شود:

۱. فضای مجازی و تغییر و مدیریت سبک زندگی

نظام سرمایه‌داری برای تداوم بقای خود از تمام ظرفیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای برای ترویج یک نوع خاص از زندگی بهره گرفته و تا حدود زیادی نیز در این راستا به توفیق دست یافته است.

سبک زندگی مدرن و مصرف‌گرا که تمایز هویتی افراد را در فرایند خرید و مصرف تعریف می‌نماید، وجه تشابه فرهنگ جوامع امروز دنیا است؛ در ایران نیز فرهنگ و سبک زندگی جامعه از شکل سنتی و کم و بیش دینی خود به سمت مدرن شدن در حال تحول است.

در نگاهی آسیب‌شناسانه به سبک زندگی جامعه ایرانی، می‌توان تغییرات محسوسی را مشاهده کرد؛ تغییراتی که نشان از کم‌رنگ شدن و از بین رفتن مؤلفه‌های بومی در قالب باورها و ارزش‌های دینی و ملی دارد.

از جمله این تغییرات می‌توان به این موارد اشاره کرد: افزایش مصرف‌گرایی و خرید کالاهای غیر ضروری، پیشی گرفتن ویژگی‌های تزئینی و تجملاتی کالا بر جنبه کاربردی آن، افزایش سهم مصرف کالاهای تجملی از کل مصرف خانوار و قرار گرفتن کسب ثروت و درآمد اقتصادی به عنوان اولین اولویت و هدف بیشتر مردم در زندگی.^۱

بنابراین در بعد جهانی و در جامعه مدرن، زنان و شیوه زیست آنان بیشتر از مردان در این فرایند تأثیر پذیرفته و متحول شده است؛^۲ در ایران نیز به نظر می‌رسد میان تحولات فرهنگی و تغییر در سبک زندگی با جنسیت مؤنث رابطه‌ای معنادار مشاهده می‌شود؛ هر چند در کنار تغییرات ساختاری در حوزه‌های مربوط به زندگی زنان نیز تغییراتی در سبک زندگی و شیوه زیست زنانه مشاهده می‌شود.

۱. قهرمانی، ۱۳۹۵.

۲. کرمی، ۱۳۹۳.

در ربط‌شناسی این وضعیت با کارکردهای رسانه، شواهد فراوانی در دست است که این اتفاق در جامعه ایرانی تا حدود قابل ملاحظه‌ای با محوریت رسانه اتفاق افتاده و یا در حال رخ دادن است؛ رسانه- به‌ویژه فضای مجازی- به فردگرایی، مصرف‌گرایی، تغییر گروه‌های مرجع و تغییر در سبک زندگی دامن زده است.^۱

نگاهی به موضوعات رسانه‌های نوشتاری و تصویری نشان می‌دهد عمده‌ترین موضوعاتی که به آن پرداخته می‌شود عبارت است از: مد و مدگرایی در زمینه‌های گوناگون، طراحی و دوخت لباس، آشپزی، دکوراسیون خانه، موسیقی و ورزش.

هر چند این تبلیغات تلاش می‌کند همه افراد را فارغ از تفاوت‌های جنسیتی و سنی تحت تأثیر قرار دهد؛ اما گروه هدف بخش بزرگی از این تبلیغات، زنان هستند؛ چرا که به دلیل نقش‌های جنسیتی و خانوادگی، جایگاه مهمی در گزینش‌های صورت گرفته دارند. با توجه به اهمیت جایگاه زنان، نگرش آن‌ها به سبک زندگی و لوازم آن می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد پروژه سبک زندگی بومی ایرانی- اسلامی و یا سبک زندگی مدرن- به‌عنوان رقیب- آن داشته باشد.

نقش‌های جنسیتی و خانوادگی زنان و دختران جوان، حجم وسیع تبلیغات ساخته شده با هدف تحت تأثیر قرار دادن این دو گروه و نیز تغییرات ایجاد شده در شرایط زندگی اجتماعی و خانوادگی زنان به دنبال افزایش سطح تحصیلات، اشتغال و استقلال مالی و فکری، زنان را به یکی از گروه‌های مهم مصرف‌کننده کالاهای فرهنگی تولید شده در رسانه‌ها و فضای مجازی تبدیل نموده است.

امروزه سبک زندگی زنان و خانواده به کمک گسترش رسانه‌ها و تغییرات ایجاد شده در زیرساخت‌های ارتباطی و جابجایی‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی که منجر به سهیم شدن زنان در تجربه‌های زیسته دیگران است، دربرگیرنده حوزه وسیعی از انتخاب‌ها،

۱. ر. ک: بیانیه تحلیلی مرکز تحقیقات زن و خانواده، ۱۳۸۹.

از پیش پا افتاده‌ترین موارد در زمینه انتخاب نوع پوشش، خوراک و نحوه گذران فراغت تا موارد مهمی هم‌چون شیوه انتخاب همسر، ازدواج و تشکیل خانواده است.^۱ در نتیجه از آموزش‌های مجازی جنسیتی انتظار می‌رود زنان را با این تغییرات آشنا ساخته و به ارتقای سبک زندگی مؤمنانه یاری رساند.

۲. فضای مجازی و افول و ارتقای موقعیت خانواده

با مروری بر گذشته تاریخی جامعه ایرانی روشن می‌شود که خانواده- به‌ویژه خانواده‌های مذهبی- در قبال رسانه‌هایی مثل رادیو و تلویزیون تا مدت زمانی واکنشی منفی نشان داده و کوشیده است با حفظ مرزها، خود را از آسیب آن در امان نگه دارد؛ اما به تدریج با پذیرش وضع موجود به‌منزله واقعیتی گریزناپذیر و عادی کوشیده است با آن کنار آید.

بنابراین، می‌توان انتظار داشت خانواده ایرانی با رسانه‌های جدید نیز به سازگاری کلی برسد و به‌منزله یکی از ضروریات زندگی متمدنانه، به آن روی گشاده نشان دهد. امروزه خانواده ایرانی در سبب فرهنگی خود با فضای مجازی، شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های مدرن مواجه است که هر کدام به‌نوبه خود، بخشی از فرآیند تأثیرگذاری در خانواده را هدف گرفته‌اند.

با توجه به نقش رسانه در ایجاد و مدیریت سبک زندگی، انتظار می‌رود علاوه بر پیامدهای تحول منفی در سبک زندگی زنان، خانواده نیز از این وضعیت دچار آسیب گردد؛ لذا تهی شدن سبک زندگی زنان از مؤلفه‌های بومی و جایگزین شدن معیارهای فرهنگ مدرن و ناهمخوان با ارزش‌های ملی و دینی همراه با آسیب‌هایی که به زنان و دختران به سبب ناهمخوانی این ارزش‌ها با فرهنگ و ارزش‌های

اجتماعی حاکم بر جامعه وارد می‌سازد، خانواده را- به‌عنوان مهم‌ترین بستر تربیت نسل آینده- با بحران‌های هویتی و عاطفی رو برو می‌سازد.^۱

تجربه زیسته نشان می‌دهد رسانه و فضای مجازی، تصویری منسوخ از خانواده ایرانی ارائه می‌دهند تا جایی که الگوهای ارائه شده در مورد خانواده با آموزه‌های دینی فاصله زیادی دارند؛ مواردی از جمله ترویج خانواده‌های بی‌سامان و لجام‌گسیخته در مقابل ساختار خانواده، عادی‌سازی خیانت همسران به یکدیگر، عادی جلوه دادن روابط جنسی دختر و پسر پیش از ازدواج، ترویج فرهنگ هم‌پاشی به‌جای ازدواج و عادی جلوه دادن سقط‌جنین برای دختران.^۲

از طرف دیگر، گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و والدین نیز تغییراتی به‌وجود آورده است که از جمله آن به‌کاهش نقش خانواده به‌عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی به‌دلیل رشد فناوری، از بین رفتن حریم میان فرزندان و والدین و ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو را می‌توان نام برد. در بحث ازدواج‌ها به مسائلی مثل ناپایداری ازدواج‌ها، تغییر الگوی همسرگزینی، نداشتن مهارت‌هایی برای ازدواج و ناتوانی والدین برای آموزش به فرزندان، افزایش روابط دختر و پسر در زمان نامزدی بدون عقد، تمایل به دریافت مهریه‌های سنگین، بالا رفتن سن ازدواج و افزایش تنوع طلبی جنسی مردان می‌توان اشاره کرد.

در حوزه دینی نیز کاهش نقش‌آفرینی آموزه‌های دینی در خانواده، دوری خانواده از شریعت و کم‌رنگ شدن حریم‌های دینی در روابط خانوادگی مشاهده می‌شود. برخی تحقیقات نشان می‌دهد ارزش‌ها در میان افراد خانواده‌هایی که از فضای مجازی استفاده می‌کنند و افرادی که استفاده نمی‌کنند، تفاوت دارند؛

۱. عطایی کچویی و دیگران، ۱۳۹۶.

۲. ر. ک: شکرپیگی، ۱۳۹۱.

هم‌چنین این ارزش‌ها در میان استفاده‌کنندگان از فضای مجازی بر حسب زمان استفاده- روزانه، هفتگی و ماهانه- تفاوت پیدا می‌کنند.^۱

در نقطه دیگر- از بعد تأثیرات مثبت فضای مجازی بر خانواده- می‌توان به تشکیل گروه‌های خانوادگی در شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد؛ چه این‌که بسیاری از افراد به‌خاطر دور بودن از خانواده و دوستان توانسته‌اند با استفاده از این فضا به خانواده و دوستانشان نزدیک‌تر شده و فضای مجازی را به‌وسیله‌ای برای استحکام روابط خانوادگی تبدیل کنند؛ هم‌چنین ایفای نقش‌های جنسیتی مورد تأکید آموزه‌های دینی با کمک فضای مجازی تسهیل شده و آموزش‌های فراوانی در حوزه نقش‌های همسری، مادری، پدری و فرزندگی در دسترس اعضای خانواده قرار گرفته است؛ مهارت‌های همسرگزینی و رفع اختلافات زناشویی نیز از طریق این فضا- بیش از گذشته- در اختیار زوجین قرار گرفته است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، فضای مجازی در نسبت با خانواده می‌تواند به افول یا ارتقای آن کمک نماید؛ لذا از آموزش‌های مجازی انتظار می‌رود محتوایی را به‌منظور تحکیم و ارتقای روابط خانوادگی تولید نموده و در اختیار کاربران- به‌ویژه زنان- قرار دهد.

۳. فضای مجازی؛ فروکاهش و ارتقای ارزش‌های دینی

دین در جهان معاصر در نسبت و تعامل با مفاهیم و فرایندهای گسترده اجتماعی قرار دارد و بر این فرایندها که زندگی را فراگرفته‌اند، هم تأثیر می‌گذارد و هم تأثر می‌پذیرد. از جمله پدیده‌هایی که دین با آن در تعامل است، رسانه است؛ چنان‌چه دریدا^۲- فیلسوف فرانسوی- نیز مدعی است رابطه‌ای ذاتی و درونی میان امر رسانه‌ای

۱. خدامرادی و دیگران، ۱۳۹۳.

و امر دینی وجود دارد؛^۱ لذا در تعامل رسانه با دین، مفاهیم جدیدی مانند رسانه‌ای شدن، شبکه‌ای شدن و مصرفی شدن دین شکل گرفته است.

نگاهی به پیامدهای این مفاهیم اجازه می‌دهد در خوانش انتقادی جهان رسانه‌ای معاصر، از نقش منفی رسانه در گسترش فرهنگ دینی سخن گفت.

در تغییرات رخ داده در عرصه دینی، در جامعه و خانواده نیز - مانند کاهش تمسک به آموزه‌های دینی، دوری از شریعت، گرایش به فرق انحرافی و کم‌رنگ شدن حریم‌های دینی در روابط خانوادگی و اجتماعی - می‌توان ردپای ارزش‌های تبلیغ شده از رسانه را مشاهده کرد.

البته در کنار تهدیدهای ناشی از تعامل نوین دین و رسانه، می‌توان فرصت‌های ممتازی را نیز سراغ گرفت، که این سرعت و شتاب فرایند رسانه‌ای شدن دین در جامعه ایرانی نیز مناسبات جدیدی را شکل داده است.

به‌طور کلی، یکی از ابعاد رسانه‌ای شدن دین این است که دین بیش از هر زمان دیگری خصلت بازنمایی پیدا کرده و بصری شده است؛ بر این اساس، رسانه‌ای شدن دین آن را از حالت انتزاعی به‌حالت انضمامی درآورده و در پی آن، کیفیت تجسم و تخیل دینی و تجربه دینی انسان را نیز دچار تغییر کرده است.

در پی رسانه‌ای شدن دین، ضمن آن‌که دین انضمامی‌تر شده، مجازی‌تر نیز می‌شود تا جایی که در حال حاضر بیش از آن‌که در تجربه‌های رودرو، دین را تجربه کرد، با میانجی تصویر و صدا می‌توان دین را تجربه نمود.

البته رسانه‌ای شدن دین مجموعه وسیعی از فرایندهای دیگر را نیز شکل می‌دهد که از جمله آن‌ها عمومی‌تر شدن دین است؛^۲ لذا رسانه‌ای شدن دین می‌تواند

۱. به نقل از: هوور و لاندبای، ۱۳۸۷.

۲. خدامرادی و دیگران، ۱۳۹۳.

فرصت‌های ممتازی برای آموزش‌های مجازی دین‌محور بر ساخت کند، و به ارتقای بینش و معرفت دینی زنان منجر شود.

به بیان دیگر- در جهان رسانه‌ای معاصر- دین و رسانه‌های مجازی جدایی‌ناپذیرند؛ چون نه رسانه‌ها قادر به عدم انعکاس مفاهیم و مطالب دینی هستند و نه دین می‌تواند در مقابل طرح و اصول خود از طریق رسانه‌های مجازی مقاومت کند؛^۱ لذا از برنامه‌ریزان آموزشی انتظار می‌رود برای تولید مفاهیم دینی و نشر آن برای زنان و خانواده- از طریق فضای مجازی- همت ویژه‌ای مصروف نمایند.

۴. فضای مجازی و اوقات فراغت زنانه

بررسی‌های انجام شده در رابطه با فراغت دختران و زنان جوان نشان می‌دهد که به دنبال بروز تغییراتی در شرایط زیست زنان و افزایش دسترسی به امکانات و سرمایه‌های گوناگون، تحولاتی در نحوه گذران فراغت آن‌ها- به لحاظ مکانی و محتوایی- ایجاد شده است. در جامعه معاصر ایرانی نیز ماشینی شدن بخش قابل توجهی از کار خانگی، کم شدن تعداد فرزندان و کوچک شدن ابعاد خانواده و کاهش روابط خویشاوندی، فراغت بیشتری برای زنان- به خصوص زنان خانه‌دار- فراهم آورده است.

از سوی دیگر، مفهوم مصرف و خرید در معنای مدرن آن با مفهوم فراغت پیوند نزدیکی دارد؛ چون مصرف فرهنگی یا فراغتی در دنیای مدرن- به ویژه از سوی زنان- به یکی از ابزارها و لوازم گذران اوقات فراغت تبدیل شده است.

به بیان دیگر، مصرفی شدن و تجاری شدن فراغت، به رواج الگوها و سبک‌های زندگی نوین در جامعه مدرن انجامیده است.

پژوهش‌های انجام گرفته در رابطه با گذران اوقات فراغت در جامعه ایرانی، نشان دهنده غلبه وجه آسیب‌زایی آن بر وجه سازنده فراغت - به سبب برخی از نابسامانی‌های موجود در سطح خرد و کلان - است.

به طور کلی، یکی از کارکردهای اصلی رسانه که برخی مهم‌ترین کارکرد آن می‌دانند، پر کردن اوقات فراغت است؛ از همین رو می‌توان زنان را یکی از مصرف‌کنندگان اصلی محصولات فرهنگی و رسانه‌ای دانست.

بر این اساس و با توجه به افزایش اوقات فراغت زنانه در جامعه مدرن، زنان مجال بیشتری برای حضور در فضای مجازی دارند^۱ که برنامه‌ریزی صحیح این اوقات فراغت، این امکان را می‌دهد که فضای مجازی به آموزشگاهی برای ترویج مفاهیم دینی و جنسیت‌مدار و خانواده‌محور بدل شود. با توجه به این که زنان به عنوان نیمی از جامعه و تربیت‌کننده نیمی دیگر از آن هستند، می‌توانند بیش از گذشته فرصت توشه‌اندوزی معرفتی داشته و نسلی ارزشی‌تر را تربیت کنند.^۲

۵. فضای مجازی و هویت جنسیتی

عناصر سه‌گانه هویت - شخص، فرهنگ و جامعه - هر یک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ هویت شخصی، ویژگی بی‌همتای فرد را تشکیل می‌دهد؛ هویت اجتماعی در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مختلف قرار گرفته و شکل‌گیری آن متأثر از ایشان است و هویت فرهنگی بر گرفته از باورهایی است که در عمق وجود فرد به واسطه تعامل او با محیط پیرامون و آموزه‌های آن - از بدو تولد تا کهنسالی - جای گرفته است. از آن جا که فضای سایبری صحنه‌ای فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد،^۳ زمینه‌ای برای آسیب‌پذیری شخصیت کاربر است که می‌تواند موجب چندشخصیتی شدن کاربر شود.

۱. بانوان و تبلیغ دینی، ۱۳۸۹.

۲. جعفرزاده‌پور و اسکندریان، ۱۳۹۵.

۳. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۲.

از سوی دیگر، در ارتباط‌هایی که فرد در فضای اینترنتی برقرار می‌کند ویژگی‌ها بنیادی- مانند نام، جنسیت، قیافه و فرهنگ- ممکن است جرح و تعدیل گردد یا یکسره نادیده گرفته شود؛^۱ لذا در فضای مجازی بیش از آن‌که هویت ظاهری فرد مطرح شود، درون‌مایه‌های افراد بروز می‌کند؛ به‌همین سبب هر کس در صدد بیان اندیشه‌ها و علاقه‌مندی‌های خویش است. بنابراین، مطرح نشدن هویت شخصی و مشخصات فردی در اینترنت موجب تقویت شخصیت‌های چندگانه و رشد و استحکام آن می‌شود. هم‌چنین جوانان و زنان در این محیط از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند و به‌ویژه در دورانی که هویت آنان شکل می‌گیرد، این خطر پررنگ‌تر می‌شود. به‌طور کلی، با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی- از جمله اینترنت- در اختیار جوانان می‌گذارد، آنان با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند که چنین فضایی هویت نامشخص و پیوسته متحولی را می‌آفریند. کاستلز در اثر خود که به بررسی مباحث هویتی پرداخته است، در صدد تبیین این نکته است که تحولات ۴۰ سال اخیر در رابطه زن و مرد، افزایش آمار طلاق، سست شدن خانواده سنتی، افزایش اشتغال زنان، رواج همجنس‌گرایی و مسائلی از این دست نقش داشته و این نقش بیش از هر چیز، ناشی از تحولات هویت جنسی است.^۲

از همین رو، صیانت از هویت و نقش‌های جنسیتی و تقویت تعریف مورد تأیید دین از چپستی و کیستی زن، از جمله محورهایی است که از برنامه‌ریزان آموزش از طریق فضای مجازی انتظار می‌رود.

۱. بنت، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۴.

۲. ر. ک: کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۲.

۶. فضای مجازی و اخلاق جنسی

رابطه زن و مرد در عصر ارتباطات دارای تفاوت‌های جدی با گذشته شده و مختصات جدیدی یافته است؛ بر این اساس، افراد برای نفس ارتباط با هم رابطه برقرار می‌کند که جنسیت در این ارتباط تأثیر دارد؛ در این ارتباطات تبادل عاطفی صورت می‌گیرد- و در حالت شدیدتر- رابطه از عاطفی به جنسی تبدیل می‌شود.

در ارتباطات مجازی می‌توان دیوارها را شکست و به حوزه خصوصی دیگران وارد شد و حرف‌هایی را که افراد حاضر نیستند در ارتباط چهره به چهره بگویند، طرح کرد؛ این تحول معنایی و کارکردی ارتباط در کنار تحولات دهه‌های اخیر در ساختار و کارکرد خانواده، اخلاق جنسی و روابط اجتماعی نگرانی بسیاری از فرهیختگان و جامعه کارشناسی را برانگیخته است.

بر این اساس- اهل نظر- تحولات ایجاد شده را ناشی از تغییر در نظام ارزشی و نگرش‌ها می‌دانند و برای رسانه در پدیدآوری آن سهم بسزایی قائل هستند؛ مهم‌ترین تأثیر رسانه‌های تصویری و فضای مجازی بر حوزه اخلاق جنسی، عادی‌سازی روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج است.

به عنوان نمونه؛ تحقیقاتی که گروه تحقیقات مدیا اسکوپ درباره جوانان مبتلا به سکس انجام داده، نشان می‌دهد این برنامه‌ها روابط جنسی را برای آنان به امری طبیعی تبدیل کرده که همین نکته علت اقدام ۷۵ درصد آنان به این نوع روابط بوده است.^۱ بر این اساس، ترویج رفتارهای شهوانی، روابط جنسی آزاد، هرزه‌نگاری و پورنوگرافی^۲، عادی‌سازی خیانت زوجین به یکدیگر، اختلال در مناسبات جنسی، ترویج فرهنگ بی‌حیایی و بی‌عفتی و عادی‌سازی مقوله عشق‌های ضربدري و مثلی- در رسانه و فضای مجازی- آسیب‌هایی را برای حوزه اخلاق جنسی رقم زده است.^۳

۱. گروه تحقیقات مدیا اسکوپ، ۱۳۸۵، ص. ۵۵.

2. Pornography

۳. ابوالقاسم اکبری و مینا اکبری، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۳.

به‌طور کلی، اینترنت به جوی دامن زده است که در سایه ویژگی‌های خاص خود- به تدریج- به شکل‌گیری ناهنجاری‌های جنسی در کاربران خود می‌انجامد.^۱ چنان‌که تحولات پدید آمده در موضوع تصور از بدن و تغییر استانداردهای زیبایی در جامعه ایرانی که ایران را به دومین کشور جراحی زیبایی جهان و هفتمین مصرف‌کننده مواد آرایشی با حدود دو میلیارد دلار- در سال ۲۰۰۷ میلادی- تبدیل کرده، از این فضا تأثیر پذیرفته است. هم‌چنین مشاهده فیلم‌های پورنو- سکس‌علنی- که گاهی همسران با هدف گرمی بخشیدن به روابط جنسی به آن روی می‌آورند، می‌تواند به تغییر ذائقه جنسی و افزایش مطالبات و آستانه رضایتمندی جنسی آنان بینجامد؛ به نحوی که در درازمدت، روابط جنسی متعارف میان همسران از ارضای این نیازهای تشدید شده ناتوان است، و در نتیجه روابط جنسی خارج از محدوده خانواده افزایش می‌یابد. در یک نتیجه‌گیری کلی، سکس^۲- در شبکه مجازی- به ترشح نامتوازن تستوسترون^۳، دوپامین^۴ و سروتونین^۵ می‌انجامد که بر فعالیت‌های مغز تأثیرات نامطلوبی دارد؛ چنان‌که هنگام خواب نیز اختلالات روانی ناشی از آن ظاهر می‌شود.^۶

۷. فضای مجازی و نقش آن در معناسازی و هویت‌بخشی

غوطه‌وری در رسانه باعث می‌شود- فرد- تمییز میان خیال و واقعیت را حس نکند؛ چرا که در هنگام کاربری فضای مجازی همه حواس درگیر این فضا است، و کاربر از منظر مجازی جهان را درک می‌کند.

۱. صادقی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷.

2. Sex
3. Testosterone
4. Dopamine
5. Serotonin

۶. مایرز، ۱۳۸۷، ص. ۴۹.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که شبکه‌های اجتماعی ابزار و یا- صرفاً- کالاهایی فرهنگی نیستند؛ بلکه ساختار احساسات و محیط پیرامونی نیز در بازتعریف هویت نقش دارند؛ چون فضای مجازی نوعی فرافضا و فضای ذهن است؛^۱ به همین سبب، رسانه‌ای شدن به معنای گسترش نقش و حضور همه‌جانبه رسانه‌ها در تولید و توزیع و کاربست معانی و نمادها است؛ یعنی کل سیستم معناسازی توسط رسانه در حال شکل گرفتن است.^۲

۸. فضای مجازی و انزواگزینی و فردگرایی

زیست مستمر و پیوسته در جهان مجازی به کاهش روابط اجتماعی واقعی می‌انجامد تا جایی که کاربران چنان مستغرق در این فضا می‌شوند که متوجه گذر زمان نمی‌گردند.

نتایج مطالعات انجام شده- در این ارتباط- به شرح زیر است:

- نزدیکی فیزیکی یکی از عوامل اساسی ایجاد روابط اجتماعی- به ویژه از نوع صمیمانه و عاطفی آن- است؛ از این رو روابط اجتماعی نمی‌تواند در فضای مجازی بازتولید شود.^۳
- اینترنت در زندگی اجتماعی جای دوستان و نزدیکان را گرفته و جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است؛ لذا در تعامل‌های انسانی و عاطفی با دیگران به روابط چهره به چهره، گرم، صمیمی و عاطفی نیاز است که در نتیجه گسترش فناوری‌ها، تأمین این نیاز انسانی کاهش می‌یابد؛ هم‌چنین افرادی که ساعت‌ها وقت خود را در سایت‌های اینترنتی می‌گذرانند، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌نهند؛ چراکه فرد، فعالیت‌های اجتماعی خود را کنار گذاشته و به فعالیت‌های فردی روی می‌آورد.^۴

۱. کاستلز، ۱۳۸۴.

۲. فاضلی، ۱۳۹۳.

۳. ر. ک: امیرمظاهری و ایران‌شاهی، ۱۳۸۹، صص. ۹۵-۱۱۸.

۴. شجاعی، ۱۳۸۷.

- استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است؛ برعکس کاربرانی که از اینترنت کمتر استفاده می‌کنند، به‌طور عمده‌ای با والدین و دوستانشان ارتباط بیشتری دارند؛ البته شاید هیچ‌گاه کاربران اینترنت از افسردگی و انزوای اجتماعی خود، آگاه نباشند و یا در صورت آگاهی آن را تأیید نکنند؛ اما ماهیت کار با اینترنت چنان است که فرد را در خود غرق می‌کند؛ لذا دنیای اجتماعی در آینده، دنیایی منزوی به‌نظر می‌رسد؛ چرا که اینترنت با توجه به رشد و جذابیت‌های کاذبی که ایجاد می‌کند، کاربران را به‌خود معتاد ساخته و جانشین والدین می‌کند.
- کاربران ترجیح می‌دهند در محیطی آرام و خلوت از اینترنت استفاده کنند تا با تمرکز و سرعت بیشتر از اتصال‌های طولانی مدت جلوگیری کرده و هزینه‌های حاصل از آن را کاهش دهند؛ اما این نوع خلوت‌گزینی در طولانی‌مدت، برخی مشکلات روانی - مانند گوشه‌گیری و افسردگی - را در پی دارد؛ بسیاری از روان‌شناسان این نگرانی را داشته‌اند که آسانی ارتباط‌های اینترنتی - چه‌بسا - افراد را وادار می‌دارد زمان بیشتری را به‌تنهایی بگذرانند و به‌صورت آنلاین با غریبه‌ها صحبت کنند؛ هم‌چنین با برقراری ارتباط سطحی، این کارها را به‌قیمت از دست دادن گفتگوهای رو در رو و ارتباط‌های خانوادگی و دوستانه انجام دهند.

بنابراین، ارتباط‌های اجتماعی از طریق اینترنت، ضعیف‌تر از ارتباط‌های واقعی است و در درازمدت، به انزوای اجتماعی فرد می‌انجامد.^۱

از طرف دیگر، فردگرایی خودآگاهانه از پیامدهای فضای مجازی است؛ چه این‌که آن‌چه در فضای مجازی مشهود است، گسترش اهمیت فرد و حیطه خصوصی در برابر جمع و حوزه عمومی است.^۲

۱. شجاعی، ۱۳۸۷، صص. ۱۱۵-۱۴۲.

۲. ر. ک: امیرمظاهری و ایران‌شاهی، ۱۳۸۹، صص. ۹۵-۱۱۸.

از آن جا که در این فضا، گزینش برنامه‌ها بر اساس تمایلات فرد- و نه توافق گروهی- صورت می‌گیرد، به فردگرایی دامن زده می‌شود؛ لذا افراد در فضای مجازی در عین حال که در جماعات می‌توانند حضور داشته باشند- با امکان پنهان کردن هویت واقعی خود- می‌توانند در همان حال خود را جدا از دیگران و تنها حس کنند؛ این ویژگی، کاربر را قادر می‌سازد پنهانی‌ترین روح و شخصیت خود را به فعلیت برساند.

به‌طور کلی- از جنبه مثبت و به‌مثابه یک ظرفیت- فردگرایی، انسان مدرن را در موضع فعالانه‌تری نسبت به ساخت زندگی خود قرار داده و مسئولیت‌های بیشتری بر عهده فرد قرار می‌دهد؛ به این معنی که فرد در دوران مدرن باید نقش فعالانه‌تری را در ساخت زندگی‌اش داشته و پیامدهای گزینش‌ها و انتخاب‌های خود را بپذیرد.^۱

با توجه به این‌که تولید، بازتولید و انتخاب در اختیار افراد است- مخاطب- ساکت و منفعل نیست؛ بلکه کاربرانی هستند که در ساخت یا انتخاب محتوا، فعال عمل می‌کنند؛ لذا فرد در زندگی مدرن از میان امکان‌های موجود دست به انتخاب زده و مسئولانه‌تر از زندگی سنتی، پیامدها و عواقب انتخاب‌های خود را می‌پذیرد که این یعنی حتی در رفتارهای دینی و اخلاقی نیز عنصر اراده، انتخاب و مسئولیت اهمیت خاصی می‌یابد.^۲

این ویژگی برآمده از فضای مدرن و رسانه‌های آن، به زنان امکان می‌دهد- در قالب آموزش‌های مجازی- دست به انتخاب‌های آگاهانه‌تر و اراده‌گرایانه‌تری زده و دینداری تعمیق یافته‌تری را تجربه کنند.

۱. گیدنز، ۱۳۷۷، ص. ۴.

۲. کرمی، ۱۳۹۳.

۹. فضای مجازی و بازداری زدایی

ظرفیت بالای ارتکاب جرم در فضای سایبر، موجب ارتکاب گسترده برخی جرائم- به‌ویژه جرائم سایبری و جنسی مجازی- شده است.

بر این اساس، گمنامی و نامرئی بودن کاربران یکی دیگر از ویژگی‌های روابط اینترنتی است که موجب پیدایش آسیب‌های جدی اخلاقی و روانی و کاهش خویشتن‌داری و بازدارندگی کاربران در برابر اعمال ناهنجار اخلاقی و ضداجتماعی خواهد شد؛ به‌نحوی که در فضای سایبر- کاربر- می‌تواند هر نقابی را بر خود بپوشاند و هر چه می‌خواهد بگوید یا انجام دهد بدون این‌که از شناسایی و رسوا شدن، ترسی داشته باشد.^۱

۱۰. فضای مجازی و اعتیاد آفرینی

فقدان روابط پایدار و صمیمی با دیگران، نداشتن اعتماد به‌نفس و- به‌طور کلی- شکست در عرصه‌های گوناگون زندگی، زمینه را برای اعتیاد افراد به اینترنت فراهم می‌کند.^۲

اعتیاد به اینترنت، نتایج و پیامدهای زیان‌بخشی برای فرد و جامعه در پی داشته و آسیب‌های شدید جسمانی، مالی، خانوادگی، اخلاقی، اجتماعی و روانی را به‌همراه دارد. افزون بر کناره‌گیری اجتماعی، یکی دیگر از پیامدهای اعتیاد اینترنتی، مشکلات خانوادگی و تأثیر آن بر روابط زناشویی، والدین و فرزندان است.

۱. صادقی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶.

۲. همان.

هم‌چنین - نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد - تفاوت میانگین اعتیاد به اینترنت در میان پاسخگویان دختر و پسر معنادار بوده است؛ بدین‌صورت که میانگین اعتیاد به اینترنت در میان پاسخگویان دختر، بیشتر از پسر بوده است.^۱

۱۱. فضای مجازی و شکاف نسل‌ها

اینترنت، شکاف میان نسل‌ها را بیشتر کرده و اکنون شکاف میان نسل دوم و سوم علاقه‌مند به اینترنت نیز آشکار شده است؛ به‌گونه‌ای که زبان دیگری را متوجه نمی‌شوند. امروزه با ورود وسایل و فناوری‌های جدید به عرصه خانواده‌ها، مشاهده می‌شود که والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند بدون آن‌که حرفی برای گفتن داشته باشند؛ بر این اساس، دو نسل به‌دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه‌های زیستی مختلف، زندگی را از دیدگاه خود نگریسته و مطابق با بینش خود آن را تفسیر می‌کنند.^۲

۱۲. فضای مجازی و تسهیل جامعه‌پذیری و ارتقای سرمایه‌های اجتماعی زنان

اینترنت و فضای مجازی با تسریع و تسهیل برقراری ارتباط و تعاملات افراد و نیز برداشتن محدودیت‌های مکانی و زمانی پدید آمده از زندگی مدرن، ورود اعضای خانواده به اجتماع و جامعه‌پذیری آنان را سرعت بخشیده است؛ فرایندی که به‌دلیل عدم سهولت و امکان برقراری ارتباط افراد خانواده با دیگر افراد خویشاوند و بیگانه - در جامعه امروز - به‌کندی صورت گرفته و با مشکلاتی مواجه است.

با مدیریت این فضا از سوی والدین و ایجاد فضاهای مناسب برای برقراری ارتباط آگاهانه با دیگر افراد و بستگان، می‌توان فرزندان را با مدیریتی آگاهانه‌تر و سریع‌تر به‌عرصه اجتماع وارد نمود.

۱. کرمشایی و همکاران، ۱۳۹۰.

۲. رحیمی، ۱۳۹۰، ص. ۱۸.

از سوی دیگر، در زمره مهم‌ترین ظرفیت‌هایی که برای افراد، توانایی حضور مؤثر در جامعه ایجاد می‌کند، سرمایه اجتماعی^۱ است؛ نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که کیفیت و کمیت استفاده از فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی زنان و خانواده تأثیر داشته است؛ بدین معنا که هر چه میزان استفاده از فضای مجازی بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی که ناشی از ارتباط افراد در دنیای واقعی و ارتباطات رو در رو است نیز کاهش پیدا می‌کند.^۲

۱۳. فضای مجازی و امنیت زنان

از یافته‌های پژوهش‌ها چنین برمی‌آید که احساس عدم وجود امنیت اجتماعی کافی برای بسیاری از کاربران زن- در فضای مجازی- وجود دارد؛^۳ البته از جنبه دیگر، فقدان حضور فیزیکی زنان و کاهش دسترس‌پذیری آنان می‌تواند به افزایش امنیت زنان یاری رساند.

۱۴. فضای مجازی و هویت ملی

در ارتباط با مقوله جهانی شدن^۴، رشد تک‌فرهنگی جهانی- مسئله اساسی- است؛ فرهنگی که از سوی رسانه‌های جهانی غرب و شبکه‌های روابط عمومی آن‌ها تبلیغ می‌شود و به مردم دیکته می‌کند که چه بپوشند، چه بخورند، چگونه زندگی و چگونه فکر کنند.^۵ یکی از ابعاد جدال میان فرهنگ انقلاب اسلامی ایران و فرهنگ جهانی‌سازی آمریکایی، در معناسازی فرهنگی، هویت‌زدایی فرهنگی و تلاش برای غلبه فرهنگی است؛

1. Social Capital

۲. ر. ک: انصاری و دیگران، ۱۳۹۵؛ ولی‌پوری، ۱۳۹۵.

۳. راودراد، ۱۳۸۴.

4. Globalization

5. Yang, 2001, p. 14.

در چنین وضعیتی، فرهنگ مسلط غربی می‌کوشد ارزش‌های همسو و همگن با آرمان‌های خود را در کشورهای اسلامی - از جمله ایران - ترویج کند.

از سوی دیگر، شکل‌گیری اجتماعات در فضای مجازی موجب می‌شود اجتماعات در جهان واقعی - به تدریج - کم رنگ و بی‌اهمیت شود؛ این بدان معناست که منبع هویت بخشی افراد، متکثر و متنوع می‌شود و به همین جهت هویت ملی و انسجام اجتماعی یک جامعه به تدریج تضعیف می‌شود.

در نقطه مقابل و به عنوان یک ظرفیت، فقدان نیاز به جابجایی‌های فیزیکی در فضای مجازی باعث ایجاد شبکه عظیمی از افراد می‌شود که مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در هم می‌شکنند و گاهی مرزهای فرهنگی را کم رنگ می‌کنند.

بر این اساس، امکان یکدست‌سازی و همگرا شدن سلاقی مختلف در قالب کمپین‌ها و گروه‌های مجازی این فرصت را ایجاد می‌کند که تنوعات فرهنگی به سمت تقویت ارزش‌های ملی جهت‌دهی شوند.

نتیجه آن‌که تجربه تاریخی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد زنان می‌توانند نقش سازنده‌ای در ارتقای هویت ملی داشته باشند که فضای مجازی نیز بستر مناسبی برای این مهم است.

۱۵. فضای مجازی و کنترل‌های ملی

فضای مجازی به علت مبهم بودن هویت‌ها، نبود ارتباط چهره به چهره و فقدان هرم قدرت، محیط مساعدی برای تخطی از هنجارها و ارزش‌ها و کج‌روی‌های اخلاقی و عقیدتی است.

از سوی دیگر، جماعت‌هایی که در جامعه حضورشان پذیرفته نمی‌شود، وقتی در فضاهای مجازی وارد می‌شوند - به اصطلاح - تندروتر می‌شوند؛ هم چنین کنترل‌های رایج در مورد رسانه که به طور معمول صورت می‌گیرد، در فضای مجازی مؤثر نیست.

به طور کلی - در مورد استفاده از رسانه‌ها - نظارت در سطوح فردی، خانوادگی، گروهی و در سطح دولت - به صورت منفرد یا ترکیبی - صورت می‌گیرد؛ اما در مواجهه با

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۸۳

اینترنت و فضای مجازی این نظارت‌ها یا امکان ندارد و یا به قدر کافی کاربرد ندارد، که این کنترل‌ناشدگی فضای مجازی می‌تواند تهدیدهایی را برای زنان به همراه داشته باشد.

۱۶. فضای مجازی و گذر از نخبه‌گرایی

رسانه، اطلاعات‌محور است و دانش را به خاطر مخاطب عام به اطلاعات تبدیل می‌کند؛ لذا از آن‌جا که ملاک انتخاب و ایجاد برنامه‌ها، ذائقه مخاطب است، می‌توان جهان مجازی را خاتمه نخبه‌گرایی و گذر از دانش نخبگانی به دانش عمومی دانست.^۱ در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد مجال کمتری برای مانورهای علمی و مباحث عمیق و جدی در رسانه‌های مجازی فراهم می‌شود؛ این ویژگی می‌تواند مخاطبان عام‌تر و گسترده‌تری از میان زنان را برای آموزش‌های دینی مجازی فراهم آورد.

بایسته‌ها و سیاست‌های جهت‌دهی فضای مجازی به سمت تربیت خانواده‌مدار، ارزش‌محور و جنسیت‌گرا

به منظور ارتقای آموزش‌های دینی جنسیت‌گرا و متناسب با نیازهای زنان و تربیت ارزش‌محور و خانواده‌مدار آنان، می‌توان سیاست‌های زیر را در دستور کار قرار داد:

۱. فراهم نمودن امکان حضور اقشار مختلف زنان در فضای مجازی از طریق آموزش همگانی، توسعه دسترسی مطلوب زنان به اینترنت و افزایش سواد رسانه‌ای اعضای خانواده؛
۲. تولید قالب‌ها و محتوای فاخر با رویکرد دینی در زمینه مسائل زنان و خانواده در فضای مجازی- اعم از بازی‌های رایانه‌ای و گروه‌های اجتماعی مجازی- و اختصاص بخشی از کتاب‌های درسی به آگاهی‌بخشی‌های لازم در خصوص فضای مجازی؛

۳. تشکیل کلوپ‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی خانواده‌محور با مهیا ساختن امکان حضور و فعالیت مشترک اعضای یک خانواده اعم از والدین و فرزندان؛
۴. ارائه آموزش‌های لازم جهت حفظ و مراقبت از حریم خصوصی و حضور عقیقانه و مؤمنانه در فضای مجازی به زنان و اعضای خانواده؛
۵. گام برداشتن در رفع خلأهای نظری و انجام مطالعات راهبردی^۱ در این حوزه و گسترش تحقیقات علمی و پژوهش‌های مسئله‌شناسانه و سیاست‌گذارانه و نیز پژوهش‌های تبدیلی- تبدیل مفاهیم انتزاعی به مفاهیم کاربردی که با عینیت رابطه مستقیم برقرار می‌کنند- در خصوص فضای مجازی و تأثیرات آن بر زنان و خانواده؛
۶. ایجاد الگوها، نظامات و خط‌مشی‌های آینده‌اندیشانه و تدوین شاخص‌های بومی و قوانین لازم و مناسب برای حفظ امنیت زنان در فضای مجازی؛
۷. بهره‌گیری از فضای مجازی به منظور آموزش زبان‌های خارجی- و نیز زبان فارسی- به عنوان پل ارتباطی با سایر ملل و فرهنگ‌ها و استفاده از ظرفیت‌های آن برای انتقال فرهنگی و آموزش‌های دینی در گستره بین‌المللی؛
۸. تقویت تفکر خلاق و تمرین مهارت‌های گزینش‌گری از میان محتواهای مختلف و تقویت روحیه بازداری در زنان و اعضای خانواده؛
۹. ارتقای سیستم‌های نظارت و کنترل والدین بر فرزندان و ایجاد محدودیت‌های لازم ملی در مقابل مخاطرات فضای مجازی؛
۱۰. انجام نظارت‌های هدفمند و هوشمندانه و وضع قوانین سخت‌گیرانه‌تر جهت برخورد با مجرمان جرائم اینترنتی و بزه‌کاران فضای مجازی؛
۱۱. ایجاد تناسب منطقی میان حضور در فضای مجازی با دنیای واقعی و گذراندن اوقات بیشتر با فرزندان در فضای بیرون از خانه؛

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۸۵

۱۲. تأکید بر خانواده‌محوری به‌عنوان مهم‌ترین سیاست حاکم بر همه نهادها و نقطه کانونی توجه دولت، رسانه‌ها، روحانیت، نخبگان، نهادهای مردمی و حتی خانواده؛

۱۳. مدیریت صحیح اوقات فراغت، تقویت نشاط و ارتقای احساس مسئولیت اجتماعی به‌منظور کاهش زمینه شکل‌گیری تمایلات مجرمانه؛

۱۴. مسئله‌محوری در امر تبلیغ دینی در فضای مجازی و ایجاد تشکلهای غیردولتی در تبلیغ مجازی، متمرکز بر موضوعات کوچک مانند روابط زوجین، مسئله عفاف و حجاب، بحران‌های خانوادگی و مسائل دختر بچه‌ها؛

۱۵. فراهم کردن فرصت‌های متنوع اشتغال و تحصیل برای زنان در فضای مجازی با رعایت کمترین آسیب برای خود و خانواده.

نتیجه‌گیری

به‌نظر می‌رسد فضای مجازی در کنار تهدیدهایی که به‌همراه دارد، فرصت‌های جذابی برای ارتقای آگاهی و بینش زنان از طریق سامان دادن آموزش‌هایی اصولی و هدفمند فراهم می‌کند.

اینترنت و فضای مجازی با ظرفیت‌های موجود در آن با کنار گذاشتن محدودیت‌های زمانی و مکانی و با امکان استفاده از تمام قالب‌های سمعی و بصری موجود، می‌تواند نظام یادگیری را متحول سازد. زنان نیز با ارتقای سواد رسانه‌ای و تسهیل دسترسی به امکانات فناورانه و برخورداری از اوقات فراغت-بیشتر از گذشته- فرصت‌های ممتازی را برای بهره‌گیری از فضای مجازی در راستای آگاهی‌یابی و بینش‌افزایی و ارتقای معلومات دینی یافته‌اند.

آنچه مهم است این که پیش از هر اقدام به تحلیل درستی از این ظرفیت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی دست یافت تا بتوان سیاست‌ها و برنامه‌هایی به دور از پیامدهای منفی و یا با حداقل آسیب طرح‌ریزی نمود؛ البته هنوز فضای مجازی و کارکردها و کارکردی‌های آن به سوژه و مسئله فرهنگی جامعه ایران- آن‌چنان که شایسته است- تبدیل نشده و راهکارهای متناسبی برای آن اندیشیده نشده است.

هم‌چنین با توجه به تأکید آموزه‌های دینی بر ویژگی‌های تکوینی هر یک از دو جنس و تأثیردهی آن در نقش‌های جنسیتی از یک سو و نیز تناسب یا تنافی برخی خصایص فضای مجازی با این اوصاف جنسیتی از سوی دیگر، انتظار می‌رود از این مناسبات برای کارآمدسازی هر چه بیشتر فضای مجازی در مسیر تعالی زنان بهره گرفته شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدنیا، شیرین؛ (۱۳۸۳). جایگاه زنان در جامعه اطلاعاتی؛ یک دیدگاه جامعه‌شناختی. زن فرزانه. شماره ۱: ۲۸-۱۱.
۳. اکبری، ابوالقاسم؛ اکبری، مینا؛ (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات رشد و توسعه.
۴. امیرمظاهری، امیر مسعود؛ ایران‌شاهی، اعظم؛ (۱۳۸۹). چالش‌های تعامل اجتماعی زنان ایرانی در فضای مجازی (از دید زنان فعال در فضای مجازی). مطالعات رسانه‌ای. دوره ۵، شماره ۱: ۹۵-۱۱۸.
۵. انصاری، ابراهیم؛ کیان‌پور، مسعود؛ عطایی، پری؛ (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی خانواده و فضای مجازی (مورد مطالعه: شهر اصفهان). فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شوشتر). سال ۱۰، شماره ۴: ۱۴۴-۱۲۱.
۶. بستان، حسین؛ (۱۳۹۱). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. برتون، فیلیپ؛ (۱۳۸۲). آیین اینترنت: تهدیدی برای پیوند اجتماعی؟ ترجمه علی اصغر سرحدی و ن. جمشیدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. بنت، اندی؛ (۱۳۸۶). فرهنگ و زندگی روزمره. ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: انتشارات اختران.
۹. بیات، محمد مراد؛ (۱۳۸۳). مجموعه مقالات جهانی شدن: جهانی شدن و ضرورت تعامل و گفتگوی فرهنگی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. بیانیه تحلیلی مرکز تحقیقات زن و خانواده؛ (۱۳۸۹). خانواده و مصرف کالاهای فرهنگی جدید. قم: مرکز نشر هاجر.
۱۱. همان، (۱۳۸۷). قرائت انتقادی نظام آموزشی با رویکرد جنسیتی. قم: مرکز نشر هاجر.

۱۲. پورفرد، فاطمه؛ (۱۳۹۵). فرصت‌ها و تهدیدات فضای مجازی اطلاعاتی و ارتباطی برای زنان و خانواده‌ها. همایش ملی زنان. خانواده و شبکه‌های اجتماعی مجازی. تهران: انجمن ایرانی مطالعات زنان.
۱۳. پیز، آلن؛ پیز، باربارا؛ (۱۳۸۴). آنچه زنان و مردان نمی‌دانند. ترجمه زهرا افتخاری. تهران: انتشارات نسل نواندیش.
۱۴. تافلر، آلوین؛ تافلر، هایدی؛ (۱۳۷۷). به‌سوی تمدن جدید: سیاست در موج سوم. ترجمه محمدرضا جعفری. چاپ ۳. تهران: نشر سیمرخ.
۱۵. جعفرزاده‌پور، فروزنده؛ اسکندریان، غلامرضا؛ (۱۳۹۵). زنان و تجربه فراغت مجازی. همایش ملی زنان، خانواده و شبکه‌های اجتماعی مجازی. تهران: انجمن ایرانی مطالعات زنان.
۱۶. جمعی از نویسندگان؛ (۱۳۸۸). جستارهایی در رسانه (فناوری و رسانه-دین و رسانه). ترجمه سید حمیدرضا قادری و حسین عمید. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۷. حر عاملی، محمدبن الحسن؛ (بی‌تا). وسائل الشیعة. طهران: المكتبة الإسلامية.
۱۸. خدامرادی، طاهره؛ سعادت، فرحناز؛ خدامرادی، طیبه؛ (۱۳۹۳). بررسی میزان تأثیر استفاده از فضای مجازی بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: معلمان مقطع متوسطه سازمان آموزش و پرورش استان ایلام). فرهنگ ایلام. دوره ۱۵. شماره ۴۵-۴۴: ۱۶۷-۱۵۵.
۱۹. زیبایی‌نژاد، محمد رضا؛ (۱۳۹۱). جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی. قم: انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۲۰. راووداد، اعظم؛ (۱۳۸۴). مسائل اجتماعی زنان در اینترنت. مطالعات فرهنگی و ارتباطات. دوره ۱. شماره ۳-۲: ۹۲-۷۳.
۲۱. رحیمی، محمد؛ (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسلی (مطالعه موردی: شهر خلخال). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز).
۲۲. رفیع‌پور، فرامرز؛ (۱۳۸۴). کندوکاوها و پنداشته‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۸۹

۲۳. ساروخانی، باقر؛ بابایی فرد، اسدالله؛ (۱۳۹۱). اینترنت، جهانی شدن و هویت فرهنگی جوانان در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها. تهران: نشر دیدار.
۲۴. شجاعی، محمدصادق؛ (۱۳۸۷). روان‌شناسی و آسیب‌شناسی اینترنت. روانشناسی و دین. سال ۱، شماره ۱: ۱۱۵-۱۴۲.
۲۵. شکرپیگی، عالیہ؛ (۱۳۹۱). رسانه، زنان و مناسبات خانواده. پنجمین نشست کارگروه زنان و مناسبات خانواده. تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۲۶. صادقی، سید هادی؛ (۱۳۸۹). نقش خانواده در رویارویی با آسیب‌های اجتماعی جنگ نرم. ماهنامه پیوند. شماره ۳۷۴: ۱۷-۱۴.
۲۷. صادقیان، عفت؛ (۱۳۸۴). تاثیر کامپیوتر و اینترنت بر کودکان و نوجوانان. مجله الکترونیکی پژوهشگاه مرکز اطلاعات و مدارك علمی ایران (نما). دوره ۴. شماره ۴.
۲۸. عاملی، سید سعیدرضا؛ حسنی، حسین؛ (۱۳۹۱). دوفضایی شدن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضای مجازی: مطالعه تطبیقی سیاستگذاری‌های بین‌المللی. تحقیقات فرهنگی. دوره ۵. شماره ۱: ۳۰-۱.
۲۹. عطایی کچویی، پری؛ انصاری، ابراهیم؛ کیان‌پور، مسعود؛ (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر استفاده از فضای مجازی بر نظام ارزشی افراد در خانواده‌ها (مقایسه مناطق شهری و روستایی اصفهان). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۷، شماره ۲۲: ۱۷۸-۱۵۷.
۳۰. علمی، محمود؛ علیزاده، حمیده؛ (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز. زن و مطالعات خانواده. سال ۱، شماره ۳: ۹۰-۷۵.
۳۱. فاضلی، نعمت الله؛ (۱۳۹۴). ایران در آستانه گسست از تاریخ سکوت. روزنامه اعتماد. شماره ۳۲۳۵: ۱۴ اردیبهشت.
۳۲. همان؛ (۱۳۹۳). رسانه‌ای شدن و علوم انسانی و اجتماعی. سخنرانی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. آبان ماه.

۳۳. قهرمانی، سیما؛ (۱۳۹۵). شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان. همایش ملی زنان، خانواده و شبکه‌های اجتماعی مجازی. تهران: انجمن ایرانی مطالعات زنان.
۳۴. کازنو، ژان؛ (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: نشر اطلاعات.
۳۵. کاستلز، مانوئل؛ (۱۳۸۰). عصر ارتباطات و پایان هزاره. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۶. همان؛ (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت. ویراست علی پایا. ترجمه افشین خاکباز و احد علیقلیان. تهران: انتشارات طرح نو.
۳۷. همان؛ (۱۳۸۴). گفتگوهای با امانوئل کاستلز. ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جو افشانی. تهران: نشر نی.
۳۸. کاظمی، عباس؛ (۱۳۸۷). مطالعات فرهنگی، مصرف فرهنگی و زندگی روزمره در ایران. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۹. کرمشایی، فائزه؛ پناهی، امین؛ صادق‌نیا، احمد؛ زیدی، یاسر؛ (۱۳۹۰). بررسی اعتیاد به اینترنت و فضاهای مجازی در بین جوانان و نوجوانان. همایش ملی صنایع فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار. کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی.
۴۰. کرمی، محمد تقی؛ (۱۳۹۳). سبک زندگی؛ تأملات و بایسته‌ها. شماره ۴۵.
۴۱. کشتی‌آرای، نرگس؛ اکبریان، اعظم؛ (۱۳۹۰). عصر مجازی و چالش‌های پیش‌رو. اولین کنفرانس بین‌المللی شهروند مسئول. خوراسگان: دانشگاه آزاد اسلامی.
۴۲. کنفرانس تدارکاتی وزیران مجمع اروپایی؛ (۲۰۰۲). اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی. بخارست ۲۰۰۲.
۴۳. کینگ، الکساندر؛ شنایدر، برتراند؛ (۱۳۷۴). نخستین انقلاب جهانی: جهان ۲۰ سال پس از محدودیت‌های رشد. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب.
۴۴. گروه تحقیقات مدیا اسکوپ؛ (۱۳۸۵). تأثیر رسانه‌ها بر رفتار جنسی جوانان. ماهنامه سیاحت غرب. سال ۱۴. شماره ۴۰: ۵۷-۵۴.

جایگاه فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های جنسیتی خانواده‌محور / ۹۱

۴۵. گنجی، احمد؛ (۱۳۸۵). بررسی الگوی کاربران اینترنت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: نوجوانان و جوانان شهر تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش در علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
۴۶. گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
۴۷. مایرز، دیوید؛ (۱۳۸۷). راز شادمانی. ماهنامه سیاحت غرب. سال ۵. شماره ۶۰: ۱۰-۵.
۴۸. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین؛ (۱۴۰۹). کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۴۹. مرکز تحقیقات زن و خانواده؛ (۱۳۸۵). نگاه ویژه: ترکیب جنسیتی در دانشگاه‌ها؛ تأملات و پرسش‌ها. حوراء. شماره ۲۲.
۵۰. همان؛ (۱۳۸۸). زن، خانواده و رسانه. حوراء. شماره ۳۲.
۵۱. همان؛ (۱۳۸۹). خانواده و کالاهای فرهنگی جدید. حوراء. شماره ۳۵.
۵۲. همان؛ (۱۳۸۹). نگاه ویژه: بانوان و تبلیغ دینی. حوراء. شماره ۳۷.
۵۳. همان؛ (۱۳۹۳). سیاستگذاری و برنامه‌ریزی جنسیتی؛ واقعیت‌ها و مسئولیت‌ها. حوراء. شماره ۳۸.
۵۴. مک‌کویل، دنیس؛ (۱۳۸۳). رسانه، ارتباطات جمعی و فرهنگ. ترجمه سعید مهدوی کتی. رسانه. سال ۱۵. شماره ۴ (پیاپی ۶۰): ۱۶۰-۱۳۱.
۵۵. ولی‌پوری، شیرین؛ (۱۳۹۵). سرمایه اجتماعی و شبکه‌های مجازی. همایش ملی زنان، خانواده و شبکه‌های اجتماعی مجازی. تهران: انجمن ایرانی مطالعات زنان.
۵۶. هور، استوارت ام؛ لاندبای، نات؛ (۱۳۸۷). بازاندیشی درباره رسانه، دین و فرهنگ. ترجمه مسعود آریایی‌نیا. تهران: انتشارات سروش.
۵۷. هور، استوارت ام؛ (۱۳۸۸). دین در عصر رسانه. ترجمه علی عامری مهابادی، فتاح محمدی و اسماعیل اسفندیاری. قم: انتشارات دفتر عقل.

۵۸. یاسمی نژاد، عرفان؛ آزادی، اکرم؛ امویی، محمد رضا؛ (۱۳۹۰). **فضای مجازی،**

امنیت اجتماعی، راهبردها و استراتژی‌ها. همایش ملی صنایع فرهنگی و نقش آن

در توسعه پایدار. کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی.

۵۹. یونیسف (صندوق کودکان ملل متحد): (۱۳۷۳). **راهبردهایی در راستای ترویج**

آموزش دختران: خط‌مشی و برنامه‌های عملی. ترجمه محمدعلی آتشبرگ.

چاپ ۲. یونیسف.

60. Kizza, Joseph Migga. (1998). **Ethical and Social Issues in the Information Age.** New York: Springer-Verlag.

61. Laughey, Dan. (2007). **Key Themes in Media Theory.** New York: McGraw Hill Publication.

62. Robins, Melinda B. (2002). **Are Women Online Just ICT Consumers?** Gazette: International Journal for Communication Studies 64. No. 3.

63. Yang, T. (2001). **Interreligious and Intercultural Dialogue in the Mediterranean Area During a Period of Globalization.** Prospects 101.

64. <http://www.hawzah.net>

65. <http://www.ict.gov.ir/news>